

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و
ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوا کنکور آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴



درس‌نامه + پرسش‌های چهارگزینه‌ای + آزمون + پاسخ‌های کاملاً تشریحی

عربی جامع

ویراست سوم

دکتر ایاد فیلی

انتشارات
آنگو

+ آزمون‌های کنکور سراسری ۹۹

پیشگفتار

دوستان سلام

برخلاف بعضی‌ها که فکر می‌کنند مقدمه کتاب‌ها یک بخش اضافه و بیهوده است، برای من خواندن مقدمه کتاب‌ها همیشه جالب و مهم بوده است. در مقدمه معمولاً با ساختار کتاب و طرز فکر و نگرش مؤلف آشنا می‌شویم. کتاب‌های درسی عربی دوره متوسطه در سال‌های اخیر تحولات شگرف و بنیادی داشته‌اند و از اهمیت فراوان قواعد و نکات عجیب و غریب مانند اعلال و مضاعف کاسته شده است و مؤلفین محترم کتب درسی، بیشتر به سمت اصول درست ترجمه، لغات پر کاربرد و درک مطلب روی آورده‌اند؛ از این‌رو در امتحانات نهایی و کنکور سراسری سؤال‌های مباحث ترجمه، مفاهیم و درک مطلب سهم بیشتری را به خود اختصاص خواهند داد و سبک و شیوه سؤال‌ها با سال‌های قبل کمی تفاوت خواهند داشت. برای یادگیری بهتر درس عربی و تسلط بر تمام مباحث آن پیشنهاد می‌کنم مراحل زیر را یک‌به‌یک و به ترتیب به کار بگیرید:

❖ (۱) **مرحله اول:** یادگیری و آموختن اصول و قواعد کلی و تعیین چهارچوب هر درس (با استفاده از درس‌نامه مرتبط با آن درس).

❖ (۲) **مرحله دوم:** تثبیت آموخته‌ها از طریق حل تمرین‌ها و تست‌های مرتبط با آن درس. این مرحله بسیار مهم و حیاتی است، زیرا شما هنگامی درک بهتری از درس و نکته‌های آن خواهید داشت که به اندازه کافی سؤال خوب و استاندارد درباره آن موضوع حل کرده باشید.

در حقیقت در این مرحله با نحوه نگارش طراحان آشنا می‌شوید و به آنچه مطلوب شماست، دست می‌یابید و طرز مطالعه و تمرکز بر مطالب مهم را فرا می‌گیرد. یادتان باشد خواندن قواعد و فرمول‌ها به تنهایی و بدون حل تمرین و تست‌های خوب، کارساز و مفید نیست.

❖ (۳) **مرحله سوم:** بعد از حل تمرین‌ها و تست‌های موضوعی و درس به درس، نوبت بازآموزی و دوره چند درس و فصل کنار هم و به عبارت ساده‌تر، نوبت آزمون‌های تلفیقی است (که شامل چند مبحث با هم می‌شوند). برای این مرحله سعی کنید از خلاصه‌ها و نمودارهای هر درس استفاده کنید.

بدون شک حل آزمون‌های تلفیقی، به شما کمک خواهند کرد که مطالب آموخته‌شده را به شکل منظم‌تر و منسجم‌تری در ذهن خود طبقه‌بندی و ذخیره کنید و فهم عمیق‌تر و ماندگارتری نسبت به مباحث و موضوعات داشته باشید. در این مرحله حس خوب و عجیبی خواهید داشت، حس «فهمیدن» و چه چیزی بهتر و بالاتر از این؟ فهمیدن، علاقه‌مندی و عشق به ارمغان می‌آورد.

❖ (۴) **مرحله چهارم (سرعت عمل و ابتکار):** به این منزل نمی‌رسید، مگر اینکه به اندازه کافی ممارست، تمرین و تکرار داشته باشید که حکماء از قدیم گفته‌اند:

«الدرسُ حَرْفٌ وَ التَّكَرُّرُ أَلْفٌ» = درس یک‌بار، تکرار هزاربار

یعنی بدون تکرار و حل تست‌های فراوان نمی‌توانید سرعت عمل و قدرت ابتکار و نتیجه‌گیری به‌دست بیاورید.

من سال‌هاست تمام مراحل بالا را در کلاس‌های خود آزموده و به کار می‌گیرم و به نتایج خوبی رسیده‌ام. کتابی که در دست دارید نیز بر همین اساس و شیوه، تألیف و تدوین شده است. کتاب از سه بخش (عربی دهم، عربی یازدهم و عربی دوازدهم) تشکیل شده است: بعد از مقدمات ساده (یادآوری مباحث عربی سال‌های گذشته)، با درس اول کتاب عربی دهم شروع و به درس آخر کتاب عربی دوازدهم ختم می‌شود و همان‌طور که از اسمش پیداست، جامع، کامل و در چارچوب رویکرد جدید کتاب‌های درسی است و همهٔ مطالب مورد نیاز یک دانش‌آموز یا داوطلب کنکور را پوشش می‌دهد و شما را از مراجعه به منابع دیگر بی‌نیاز می‌کند (البته مُشک آن است که خود ببوید، نه آنکه عطار بگوید!). هر درس این کتاب شامل موارد زیر می‌باشد:

- درس‌نامهٔ مفصل همراه با تمرین‌های مرتبط

- تست‌های تألیفی متنوع، فراوان و ابتکاری

- پاسخ‌نامهٔ تشریحی و بررسی تک‌تک گزینه‌ها

در انتهای هر بخش (دهم، یازدهم و دوازدهم) چند آزمون جامع به سبک کنکور سراسری آورده‌ایم. در قسمت پیوست‌ها، فصل‌هایی نیز به (اصول و فنون ترجمه، لغات و اصطلاحات مهم، متضاد و مترادف‌های کتاب‌های درسی، جمع‌های مکسر و همچنین شگردهای تسلط بر درک مطلب) اختصاص داده‌ام. امیدوارم این کتاب مورد قبول شما واقع شود و شما را از مراجعه به منابع مختلف بی‌نیاز سازد و به کمک آن بهترین نتیجه را بگیرید.

در پایان لازم است از همکاران و دوستان، خانم‌ها بهناز حسن‌زاده و سیده فاطمه شهربانویی و آقایان محمدمهدی یوسفی‌رامند، مرتضی قَشَمی و مخصوصاً آقای سید محمدعلی جنانی به خاطر ویراستاری علمی کتاب قدردانی کنم. وظیفهٔ خود می‌دانم از همکاران عزیزمان در نشر الگو واحد ویراستاری، خانم مهرناز قجری و خانم افتخار معصومی برای صفحه‌آرایی کتاب تشکر کنم. همچنین از واحد حروف‌چینی و ویراستاری به سرپرستی خانم سکینه مختار که زحمات زیادی برای آماده‌سازی و تولید کتاب کشیده‌اند، تشکر و قدردانی کنم.

🔗 http://telegram.me/olgoo_arabi

ایادفیلی (میرشکاری)

فهرست

- ❁ **درس اوّل:** مُقَدِّمات ۲

مبحث اوّل: حرکات، شناخت اسم و فعل، وزن کلمه ۲

آزمون مبحث اوّل ۴

مبحث دوم: (مذکر و مؤنث) - (مفرد، مثنی و جمع) ۵

آزمون مبحث دوم ۹

مبحث سوم: اسم‌های موصول - اسم‌های اشاره ۱۱

آزمون مبحث سوم ۱۴

مبحث چهارم: فعل‌های ماضی، مضارع، امر و ۱۵

آزمون مبحث چهارم ۲۱

مبحث پنجم: ضمایر ۲۴

آزمون مبحث پنجم ۲۶

مبحث ششم: موصوف و صفت، مضاف و مضاف‌الیه ۲۷

آزمون مبحث ششم ۳۰

مبحث هفتم: کلمات پرسشی ۳۲

آزمون مبحث هفتم ۳۴

مبحث هشتم: اصول درست ترجمه ۳۶

آزمون مبحث هشتم ۳۸

❁ **آزمون کلی (درس اوّل عربی دهم)** ۴۱

❁ **درس دوم:** اَعداد و ساعت ۴۴

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم ۴۷
- ❁ **درس سوم:** فعل‌های ثلاثی مُجرّد و مزید (۱) ۵۲

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم ۵۶

❁ **درس چهارم:** فعل‌های ثلاثی مُجرّد و مزید (۲) ۶۰

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم ۶۴

❁ **درس پنجم:** جمله اسمیه و فعلیه ۷۰

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پنجم ۷۵

❁ **درس ششم:** فعل معلوم و مجهول ۸۲

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم ۸۳

❁ **درس هفتم:** نون وقایه و حروف جر ۹۰

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم ۹۳

❁ **درس هشتم:** اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه ۱۰۰

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم ۱۰۳

❁ **مبحث حرکت‌گذاری یا ضبط الحركات** ۱۰۹

آزمون مبحث ضبط الحركات ۱۱۱

❁ **مبحث اعراب و تحلیل صرفی** ۱۱۴

آزمون‌های مبحث اعراب و تحلیل صرفی ۱۱۶

❁ **آزمون‌های جامع عربی دهم** ۱۲۲

- ❁ **درس اوّل:** اسم تفضیل و اسم مکان ۱۲۸ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اوّل ۱۳۲
- ❁ **درس دوم:** اسلوب شرط و ادوات آن ۱۴۰ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم ۱۴۴
- ❁ **درس سوم:** معرفه و نکره ۱۵۰ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم ۱۵۲
- ❁ **درس چهارم:** جمله وصفیه ۱۵۹ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم ۱۶۲
- ❁ **درس پنجم:** ترجمه فعل مضارع (۱) ۱۶۹ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پنجم ۱۷۱
- ❁ **درس ششم:** ترجمه فعل مضارع (۲) ۱۷۸ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم ۱۸۲
- ❁ **درس هفتم:** افعال ناقصه ۱۸۸ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفتم ۱۹۱
- ❁ **آزمون‌های جامع عربی یازدهم** ۱۹۸ ❁
- ❁ **درس اوّل:** حروف مُشَبَّهة بالفعل - لای نفی جنس ۲۰۴ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اوّل ۲۰۹
- ❁ **درس دوم:** حال (قید حالت) ۲۱۷ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم ۲۲۰
- ❁ **درس سوم:** اُسلوب استثناء، اختصاص و حصر ۲۲۶ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم ۲۲۹
- ❁ **درس چهارم:** مفعول مطلق ۲۳۵ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم ۲۳۹
- ❁ **آزمون‌های جامع عربی دوازدهم** ۲۴۷ ❁
- ❁ **پیوست اوّل:** اصول و فنون ترجمه ۲۵۴ ❁
- آزمون‌های ترجمه ۲۶۰
- ❁ **پیوست دوم:** مفردات، متضاد و مترادف ۲۶۵ ❁
- ❁ **پیوست سوم:** جمع‌های مکسر ۲۸۰ ❁
- ❁ **پیوست چهارم:** درک مطلب ۲۸۷ ❁
- آزمون‌های درک مطلب ۲۸۹
- ❁ **پیوست پنجم:** آزمون‌های کنکور سراسری ۹۸ و ۹۹ .. ۲۹۹ ❁
- ❁ تمرین‌ها ۳۳۶ ❁
- پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۳۴۴
- ❁ کنکور سراسری ۹۸ و ۹۹ ۴۱۹ ❁

عربی یازدهم



اسم تفضیل و اسم مکان

جامد و مشتق

مهم‌ترین اسم‌های مشتق عبارت‌اند از:

- 

نکته

- | | | | |
|------------------|-----------------|------------------|---------------|
| (١) إِنْتِظَار | (٢) جِبَال | (٣) عَقْل | (٤) عَقْلَاء |
| (٥) مُجَرَّب | (٦) مَسْرُورَات | (٧) أَوْرَاق | (٨) تَدْرِيس |
| (٩) مُدْرِسِيْنَ | (١٠) صَدَاقَة | (١١) وَالِدَيْنِ | (١٢) مُلَمَّع |

اسم تفضیل و اسم مکان

الف) اسم تفضیل

۱- تعریف: به کلماتی مانند اکبر (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) و أجمل (زیباتر، زیباترین) که معادل «صفت برتر» یا «صفت برترین» در فارسی هستند، اسم تفضیل گفته می‌شود.

۲- روش ساخت } الف) اگر مذکر باشد: بر وزن «أَفْعَل» مانند: أَصْغَر، أَعْظَم و ...
ب) اگر مؤنث باشد: بر وزن «فُعْلَى» مانند: صُغْرَى، عُظْمَى و ...

۳- ترجمه اسم‌های تفضیل: اسم‌های تفضیل چه هنگام به صورت «تر» و چه هنگام به صورت «ترین» ترجمه می‌شوند؟
اگر بعد از اسم‌های تفضیل، بلافاصله حرف جر «مِنْ» (از) بیاید، اسم‌های تفضیل حتماً به صورت «تر» ترجمه می‌شوند؛ اما اگر مستقیماً بعد از آن‌ها مضاف‌الیه^۱ بیاید، به صورت «ترین» معنی می‌شوند. به مثال‌های زیر توجه کنید:
الف) آسیا أكبر من أوروبا: آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.
ب) آسیا أكبر قارات العالم: آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.
ج) آسیا أكبر قارة في العالم: آسیا بزرگ‌ترین قاره جهان است.

نکته

۱- جمع اسم تفضیل «أَفْعَل» بر وزن (أَفَاعِل) می‌باشد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

• أَعْظَم ← جمع → أَكْبَر • أَكْبَر ← جمع → أَكْبَر

۲- اسم تفضیل گاهی بر وزن «أَفْعَى» یا «أَقْل» می‌آید:

• أَفْعَى: أَعْلَى، أَقْوَى و ... • أَقْل: أَشَدَّ، أَحَبَّ، أَقْل و ...

۳- دقت کنید اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید، نه «فُعْلَى». مثال:

• فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ
مؤنث بر وزن أَفْعَل مؤنث

۴- کلمات «خَيْر» و «شَر» چه هنگام اسم تفضیل به شمار می‌روند؟

کلمات «خَيْر» و «شَر» با اینکه بر وزن «أَفْعَل» نیستند، به خاطر معنی و کاربرد آن‌ها در جمله، گاهی «اسم تفضیل» هستند. این کلمات اگر معنی (بهتر یا بهترین) و (بدتر یا بدترین) بدهند، حتماً اسم تفضیل خواهند بود، اما اگر معنی (خوبی = خوب بودن) و (بدی = بد بودن)^۲ بدهند، مصدر و جامد خواهند بود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

• خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ: بهترین مردمان کسی است که ... ← اسم تفضیل
• الْمُؤْمِنُ يُحِبُّ الْخَيْرَ: مؤمن خیر را دوست دارد ← جامد

۵- فرق بین (آخِر) و (آخَر) چیست؟

• آخِر: بر وزن فاعِل ← اسم فاعِل، مؤنث = آخِرَة (پایان)
• آخَر: بر وزن أَفْعَل ← اسم تفضیل، مؤنث = أُخْرَى (دیگر)

۱- یادآوری: فرمول تشخیص مضاف‌الیه } اسم بدون (ال) یا تنوین + اسم مجرور ← مضاف‌الیه و مجرور
مضاف‌الیه و مجرور
اسم + ضمیر متصل ← مضاف‌الیه و محلاً مجرور

دقت کنید خود «مضاف» برحسب جمله می‌تواند (مرفوع، منصوب یا مجرور) باشد؛ بنابراین هر حرکتی (ء، ـ، ـ) را می‌تواند بگیرد، اما مضاف‌الیه همیشه مجرور (ـ، ـ، ـ) است و اگر ضمیر متصل باشد، الزامی ندارد که ظاهر آن مجرور باشد، بلکه محلاً مجرور خواهد بود. همچنین دقت کنید که خود مضاف، (ال) یا تنوین نمی‌گیرد.

۲- یعنی دو حرف آخر در هم ادغام می‌شوند و با تشدید می‌آیند: • أُحِبُّ ← أَحَبَّ • أَشَدُّ ← أَشَدَّ

۳- دقت کنید در فارسی، کلماتی مانند «خوبی، بدی، زشتی، بزرگی و ...» صفت نمی‌باشند، بلکه مصدر هستند، به عبارت دیگر (صفت + ی) = مصدر (مصدرها را جامد در نظر می‌گیریم، نه مشتق).

۶ کلماتی که بر «رنگ» دلالت دارند مانند «أَحْمَر (قرمز)، أَرْزَق (آبی) و ...» و همچنین کلماتی که بر «نقص» دلالت دارند مانند «أَعْمَى (نابینا)، أَعْوَج (لنگ)، أَصَم (ناشنوا)، أَبْکَم (لال) و ...» با اینکه مذکر آن‌ها بر وزن «أَفْعَل» می‌باشد، اسم تفضیل به شمار نمی‌روند، بلکه «صفت مشبّهه» هستند. **یادآوری:** مهم‌ترین رنگ‌ها عبارت‌اند از:

● أَيْض: سفید	● أَسْوَد: سیاه	● أَحْمَر: قرمز، سرخ	● أَرْزَق: آبی
● أَخْضَر: سبز	● أَصْفَر: زرد	● أَسْمَر: سبزه، گندمگون	

۷ عدد اربع (چهار) با اینکه بر وزن «أَفْعَل» است، چون معنی «تر» یا «ترین» نمی‌دهد، اسم تفضیل نمی‌باشد، بلکه «جامد» است.

۸ دقت کنید کلماتی که بر وزن أَفْعَل هستند، همیشه بر اسم تفضیل دلالت نمی‌کنند، بلکه می‌توانند یکی از موارد زیر باشند:

أَفْعَل: فعل ماضی باب إفعال، مانند: أكرم أبي الضيوف (پدرم مهمانان را گرمی داشت)
 فعل ماضی
 أَفْعَل: متکلم وحده مضارع، مانند: أكرم هذا الرجل (این مرد را گرمی می‌داریم)
 فعل مضارع
 أَفْعَل: بر رنگ و یا نقص دلالت کند، مانند: القميص الأزرق ... (پیراهن آبی ...)
 رنگ

تست

مَيِّز أفعال التفضيل (= مَيِّز «أَفْعَل» جاء للتفضيل):

- ۱) أبعد أبي الأدوية عن أخي الصغير.
- ۲) أحسن إلى الناس كما أحسن الله إليك.
- ۳) اليوم إشتريت قميصين: أخضر و أبيض.
- ۴) من بين تلك الأدوية كان هذا الدواء أشد تأثيراً.

پاسخ

- در گزینه (۴)، أَشَدَّ (أَفْعَل = أَفْعَل) اسم تفضیل و به معنی (شدیدتر) می‌باشد، اما در گزینه‌های دیگر:
- گزینه (۱): أبعد در این عبارت، فعل ماضی (باب إفعال) و به معنی (دور کرد) (معنی گزینه (۱): پدرم داروها را از دسترس برادر کوچکم دور کرد).
- گزینه (۲): أحسن: فعل امر مفرد مذکر (خوبی کن) / أحسن: فعل ماضی باب إفعال (خوبی کرد)
- گزینه (۳): (أخضر: سبز) و (أبيض: سفید) بر رنگ دلالت دارند و حالت تفضیلی ندارند.

تمرین ۳۳

مَيِّز اسم التفضيل و اذكر الترجمة المناسبة له. (در عبارت‌های زیر، اسم‌های تفضیل را پیدا کنید و مشخص کنید که کدام یک معنی «ترین» می‌دهد.)

- ۱) أيُّ الألوانِ عندكم؟ عندنا الأبيض والأزرق والبنفسجي لكن أجملها الأزرق.
- ۲) تسمية الآخرين بالأسماء القبيحة ليست من مكارم الأخلاق.
- ۳) أيُّها الأفاضل: لا شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن والآخرة خير لكم.
- ۴) «سبحان الذي أشرى بعبده من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى»
- ۵) عندما واجهت عظمى المصائب قلت في نفسي: الخير في ما وقع.
- ۶) «أدع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالتّي هي أحسن و ... و هو أعلم بالمهتدين»

ب) اسم مکان

۱ تعریف: به کلماتی مانند «مَعْبَد (محل عبادت)، مَجْلِس (محل نشستن، محل جلسه)، مَنَظَر (محل دیدن) و ...» که بر «مکان» دلالت دارند و بر وزن (مَفْعَل) یا (مَفْعِل) و ... هستند. اسم مکان گفته می‌شود.

۲ روش ساخت: معمولاً بر یکی از وزن‌های زیر می‌آید:

الف) مَفْعَل مانند: مَصْنَع (محل ساخت، کارخانه)، مَطْعَم (رستوران) و ...

ب) مَفْعِل مانند: مَنَزِل، مَجْلِس (محل نشستن، محل جلسه) و ...

ج) مَفْعَلَة مانند: مَدْرَسَة، مَكْتَبَة (کتابخانه) و ...

نکته

دقت کنید کلماتی مانند (دار = بیت خانه)، صفت (کلاس)، خُفْل (کشتزار)، شارع (خیابان) و ... با اینکه بر مکان دلالت دارند، اسم مکان به حساب نمی‌آوریم؛ زیرا بر وزن (مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَة) نیستند.

توجه

اسم مکان اگر از فعل «مزید» یعنی از (فعلی که به باب رفته است) ساخته شود، بر وزن (مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَة) نخواهد بود، بلکه درست مانند اسم مفعول با (مُ) شروع خواهد شد و حرکت حرف ماقبل آخر آن «فتحه» خواهد بود. به مثال‌ها توجه کنید:

● یُنْتَظَرُ ← مُنْتَظَر «محل انتظار» ● یَكْتَشِفُ ← مُكْتَشَفٌ^۱ «محل اکتشاف» ● یُقَدِّمُ ← مُقَدَّم «محل تقدیم»

بنابراین ما دو نوع اسم مکان داریم } الف) بر وزن مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَة } ب) با (مُ) شروع شده و حرف ماقبل آخر، مفتوح است.

نکته

① جمع «اسم مکان»^۲: جمع اسم مکان (به شرطی که با «مُ» شروع نشده باشد) بر وزن (مَفَاعِل) است:

● مَنَظَر ← مَنَظَر «منظره‌ها» (مَفَاعِل) ● مَطْعَم (غذائوری) ← مَطَاعِم (مَفَاعِل)
● مَكْتَب ← مَكَاتِب (مَفَاعِل) ● مَخْرَن (انبار) ← مَخَارِن (مَفَاعِل)

لطفاً اشتباه نکنید: جمع مکسر کلمه‌ای که بر وزن مفعول است، معمولاً بر وزن مفاعیل است (نه مفاعیل):

● مَوْضِع ← مَوَاضِع ● مَفْهُوم ← مَفَاهِم ● مَكْتُوب ← مَكَاتِب ● مَشْهُور ← مَشَاهِير

② در برخی کلمات اسم مکان آن‌ها به جای وزن «مَفْعَل» بر وزن «مَفْعَى» یا «مَفَال» می‌باشد، یعنی حرف «واو» یا «ی» آن‌ها به «الف»،^۳ تبدیل می‌شود. لطفاً به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف) وزن «مَفَال»:

● دَوَر ← «چرخید» ← دَوَر ← «به جای مَدَوَر» ← دَوَر ← «به جای مَدَوَر»
● طَیْر ← «مطار = فرودگاه» ← طَیْر ← «به جای مَطَیْر»

ب) وزن «مَفْعَى»:

● بَنَى «ساخت» ← بَنَى ← «به جای مَبْنَى» ← بَنَى ← «به جای مَبْنَى»
● نَفَى «تبعید کرد» ← نَفَى ← «تبعیدگاه» ← نَفَى ← «به جای مَنَفَى»

● همچنین هستند کلمات: مَجَال (فرصت)، مَقَال (گفتار)، مَزَار (محل زیارت) و ...

● همچنین هستند کلمات: مَأْوَى (پناهگاه)، مَزْمَى (دروازه - محل پرتاب)، مَصْفَى (محل تصفیه - پالایشگاه) و ...^۴

تمرین ۳۴

میتر اسم المكان في العبارات التالية (اسم‌های مکان را در جملات زیر مشخص کنید):

- ۱) هم مشغولون بمطالعة دروسهم و نحن نُفَكِّر في امتحانات المدرسة.
- ۲) أَقْوَى النَّاسِ مَنْ يَصْبِرُ عَلَى الْمَصَائِبِ وَلَا يَتْرَكُ مَقْصَدَهُ بِسَهْوَةٍ.
- ۳) مِنْ مُسْتَخْرَجِ النَّفْثِ نَحْصُلُ عَلَى مَصَادِرٍ عَدِيدَةٍ لِلثَّرْوَةِ.
- ۴) عَلَيْنَا أَنْ نَرْزِي أَنْفُسَنَا بِأَحْسَنِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَنَتَقَدَّمَ فِي جَمِيعِ الْمَجَالَاتِ.
- ۵) فِي مَتَجَرِّ صَدِيقِي أَفْضَلِ السَّرَاوِيلِ وَأَسْعَارُهَا لَيْسَتْ غَالِيَةً.

۱- فقط برای اطلاع: دقت کنید کلمه‌ای که با (مُ) شروع شده و حرف ماقبل آخر آن (ع) است علاوه بر اسم مکان، ممکن است بر حسب موقعیت و حالت جمله، «اسم مفعول یا اسم زمان» باشد؛ به عبارت ساده‌تر کلماتی مانند «مُنْتَظَر، مُقَدَّم، مُقَدَّس و ...» با توجه به معنی و موقعیت جمله می‌توانند اسم مکان، اسم زمان و یا اسم مفعول باشند. به مثال توجه کنید:

● اگر معنی «محل اکتشاف» بدهد: اسم مکان
● مَكْتَشَفٌ
● اگر معنی «زمان اکتشاف» بدهد: اسم زمان
● اگر معنی «کشف‌شده» بدهد: اسم مفعول

۲- به شرطی که مانند مُنَحَرَف (محل انحراف)، سر پیچ جاده یا خیابان با «مُ» شروع نشده باشند.

۳- توضیح بیشتر: اگر دومین حرف اصلی کلمه‌ای که می‌خواهیم از آن، اسم مکان بسازیم، «واو» یا «ی» باشد، به جای وزن «مَفْعَل» حتماً از وزن «مَفْعَى» استفاده می‌کنیم.

۴- استثناء: کلمه (مَرْضَى) جمع مکسر و مفرد آن، «مریض» و صفت مشابه است، نه اسم مکان.

درس اول: اسم تفضيل و اسم مكان

تست‌های آموزشی

٨١٤- مَيِّز ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) هذا القميص الأزرق جميل، رجاءً أعطني واحداً من هذا النوع.
- (٢) الغيبة و التَّفَاق من أهم أسباب قطع التَّواصل بين الناس.
- (٣) الأختُ الكبرى لم تتكاسل في دروسها في هذه الأيام.
- (٤) الأسعار غالية جداً في هذا المتجر، أريد قميصاً أرخص من هذا.

٨١٥- مَيِّز كلمة «خير» لا تدلُّ على (اسم التفضيل):

- (١) لا شكَّ أنَّ خير التلميذات مَنْ تقومُ بواجباتها و تُساعد الآخرين.
- (٢) الندمُ على السُّكوت خيرٌ من التَّدَمُّ على الكلام.
- (٣) مَنْ يمدح إنساناً بغير ما فيه فلا تَنَتَظِرُ منه خيراً.
- (٤) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ﴾

٨١٦- مَيِّز ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) لَيِّتَنِي كُنْتُ أَقْوَىٰ كَيْ أُسَاعِدَ الضَّعْفَاءَ و المساكينَ.
- (٢) قال أحد العلماء: لا تخافوا من الموت لأنَّه سفر لنا من مكان إلى مكان آخر.
- (٣) اشْتَرَيْتُ هذا اليوم أربعة كتب جديدة من مكتبة أُخْرَى.
- (٤) علينا أَنْ نستمتع إلى علماء عَظَمَاءَ لِتَكْتَسِبَ مِنْ فَضَائِلِهِمْ، الحكمة و الخير.

٨١٧- عَيِّن الخطأ في التأييث:

- (١) أَذْنِي ← دُنْيَا
- (٢) أَسْفَل ← سُفْلِي
- (٣) أَحْمَر ← حُمْرِي
- (٤) أَوْسَط ← وُسْطِي

٨١٨- مَيِّز كلمة (أحب) اسم التفضيل:

- (١) أَحَبُّ صَدِيقِي كثيراً لأنَّه مؤمن.
- (٢) أَحَبَّتْ صَدِيقَتِي أعمال هذا الكاتب و قرأتها جميعاً.
- (٣) أَحَبَّ عِبَادَ اللَّهِ الَّذِي يُسَاعِدُ النَّاسَ و ينفعهم.
- (٤) أَحَبَّ هذا الطِّفْلُ ذلِكَ الطَّعَامَ.

٨١٩- مَيِّز ما ليس فيه «اسم المكان»؟

- (١) قالت أُمِّي: غُرْفَةُ هذا الفُنْدُقِ واسعةٌ و رخيصةٌ.
- (٢) هو مِنْ أَفْضَلِ المَطَاعِمِ في هذا الشارع و يبيع المأكولات البحريَّة اللذيذة.
- (٣) أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ العُلَمَاءِ كُتِبَ عَدِيدَةٌ فِي مَجَالَاتِ التَّربِيَةِ و التَّعْلِيمِ.
- (٤) أُبَحِّثُ فِي الإنترنت أَوِ المَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَظْمَةِ مخلوقات الله.

٨٢٠- مَيِّز المجموعة التي كلُّ كلماتها تدلُّ على «اسم المكان»:

- (١) غُرْفَةٌ، مَطَرٌ، مَلَابِسٌ، مَلِيحٌ
- (٢) مَنَشَفَةٌ، مَهْرَجَانٌ، مَدِينَةٌ، مَنَاطِرٌ
- (٣) مَطَارٌ، مَكْتَبٌ، مَخَازِنٌ، مُخْتَبَرٌ
- (٤) مُقَدَّسٌ، مَزَارٌ، مِشْمِشٌ، مَمْلُوءٌ

٨٢١- عَيِّن ما ليس فيه اسم التفضيل أو اسم المكان:

- (١) كان مطبخ ذلك الفندق نظيفاً و جميلاً.
- (٢) جَعَلَ اللَّهُ الكعبةَ البَيْتَ الحرامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ.
- (٣) ذهبنا لِمُشَاهَدَةِ المِبارَةِ وَلَكِنَّا وَصَلْنَا إِلَى المَلْعَبِ مُتَأَخِّرِينَ.
- (٤) كان ذو القرنين يحكم مناطق واسعة من الأرض في المَغْرِبِ و المَشْرِقِ.

تسنيهاى متنوع

٨٢٢- مَيَّزُ كلمة «شَرَّ» تختلف في المعنى:

- (١) كُلُّ الشَّرِّ في الكذبِ و الخيانة!
- (٢) العاقلُ يبتعدُ عَنِ الشَّرِّ و الأشرار و لا يُجالِسُهُمْ!
- (٣) وجود الخير و الشَّرِّ في النفس البشرية أمر لا جدل فيه!
- (٤) الجهلُ شَرُّ الأصحابِ و العلمُ أحسنُ مُصاحب!

٨٢٣- مَيَّزُ ما ليس فيه اسم مفعول:

- (١) الإنسانُ المُتقدِّمُ قادرٌ عَلَى نشر الخير بين الشُّعوبِ المُستَضَعَّةِ!
- (٢) هذا اللُّوح من المخطوطات الإسلامية العائدة للقرن الرابع للهجرة!
- (٣) يُؤكِّد الباحثون المُلتزمون أَنَّ المَسْرَحَ الإسلاميَّ من الفنون الجميلة!
- (٤) أخي قارئ القرآن بصوتٍ جميل و هو من المعروفين في هذا المجال!

٨٢٤- مَيَّزُ الجواب الذي كُلُّ كلماته تدلُّ عَلَى (اسم التفضيل):

- (١) أَبْجاث، أمر، أعظم، أكرم
- (٢) أَشَدَّاء، أَعْمَى، أعظم، دُنْيا
- (٣) سَفَلَى، وَسَطَى، أَفْضَل، أَعْلَى
- (٤) أَقْوِيا، أولياء، فضائل، أَراذل

٨٢٥- في أيِّ الأَجْوبة لا يُوجَد اسم تفضيل أو اسم مفعول أو اسم مكان:

- (١) إنتظر المُسافرون في قاعة المطار إنتظاراً طويلاً.
- (٢) يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ لا نَذْكُرَ عُيوبَ الآخرين.
- (٣) هذه حكمة مشهورة: آفة العلم التَّسْيَان!
- (٤) قال صديقي: العالمُ بِلا عَمَلٍ كالشَّجَرِ بلا ثمر!

٨٢٦- مَيَّزُ ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) رَبِّي وَفَّقَنِي لِتَنِي هِي أَزْكَى!
- (٢) لا شَكَّ إِنَّكَ أَنْتَ الأَعْلَى!
- (٣) يا صديقي لا تظلم أحداً إِنَّ كُنْتَ الأَقْوَى!
- (٤) إِنَّ الجحيمَ لِلظَّالِمِينَ سَتَكُونُ هِي المَأْوَى!

٨٢٧- مَيَّزُ الخَطَأَ في التعداد (تعداد = شمارش):

- (١) مَقْبَرَة (وادي السَّلام) في التجف الأشراف من أكبر المَقابر في العالمِ. : اسمين للتفضيل + اسمين للمكان
- (٢) صباح هذا اليوم في مَمَرِ المدرسة سألني المُعلِّمُ بعض الأسئلة. : اسمين للمكان + اسم فاعل واحد
- (٣) إِبْحَثْ عَن قِصَّةِ أو شعْرِ أو كلامٍ جميلٍ مُرتَبِطٍ بمفهوم هذا الدرس. : اسم فاعل واحد + اسم مفعول واحد
- (٤) جاء في التعاليم الدِّينية: أَفْضَلُ النَّاسِ إيماناً أحسنهم أخلاقاً. : اسم مكان واحد + اسمين للتفضيل

٨٢٨- عَيِّنِ العبارة التي لا يوجد فيها اسم فاعل:

- (١) الصادقون لا يَكْذِبُونَ الحقائق حَوْلَهُمْ!
- (٢) يُشَجِّعُ العلماء النَّاسَ على التفكير و التعليم!
- (٣) عَلَى الإنسان أن يغتنم الفرصة في حياته!
- (٤) كَثِيراً ما يخطأ الإنسانُ بين الحقِّ و الباطل!

٨٢٩- مَيَّزُ الخَطَأَ في التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: «سَوْفَ يَتَوَقَّفُ المَطَرُ وَ نَذْهَبُ إِلَى المَلْعَبِ لِمُشَاهَدَةِ المُتَسَابِقِينَ الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ مَنَاطِقٍ مُخْتَلِفَةٍ.»

- (١) المَطَرُ: اسم، مفرد مذكر، معرفة، اسم مكان
- (٢) مُشَاهَدَة: اسم، مصدر من باب مفاعلة، مؤنث
- (٣) المُتَسَابِقِينَ: اسم، جمع مذكر، معرفة، اسم فاعل
- (٤) مَنَاطِقٍ: اسم، جمع تكسير، مفردة مؤنث، على وزن «مفاعل»

٨٣٠- مَيَّزُ ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أَفْضَلُ الأعمالِ الكسبُ مِنَ الحلال.
- (٢) ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾
- (٣) الإعجاب بِالنَّفْسِ أمرٌ مذمومٌ.
- (٤) إِذَا حَكَمَ الأَرَاذِلُ تَتَأَخَّرُ البِلَادُ.

٨٣١- مَيَّزُ ما فيه اسم التفضيل:

- (١) الأولاد هَبَّتُوا أَنْفُسَهُمْ لِامْتِحاناتِ آخِرِ السَّنَةِ.
- (٢) لِلشَّجَرَةِ الخضرَاءُ أوراقٌ لطيفة و رائحة طيبة.
- (٣) عَيِّنِ الأصَحَّ في الترجمة أو التعريب للأسئلة التالية.
- (٤) الخُفَّاشُ مِنْ عَجَائِبِ مخلوقات الله تعالى.

٨٣٢- مَيَّزُ الخَطَأَ في التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «أَيْهَا العقلاء: التَّسَرُّعُ في الأمور من طبائع الجُهال.»

- (١) العقلاء: جمع تكسير، مفردة «عقل» و هو مذكر، معرفة
- (٢) التَّسَرُّعُ: مصدر باب تَعَفَّلَ، جامد، معرفة، مذكر
- (٣) الأمور: جمع تكسير، جامد، معرفة، مفردة «أمر»
- (٤) الجُهالُ: جمع تكسير مفردة «جاهل»، مشتق و اسم فاعل، معرفة

٨٣٣- مَيَّزُ ما فيه اسمين للتفضيل:

- (١) ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا و اِزْحَمْنَا و أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾
- (٢) في الآية الأخرى نصيحةٌ تقول: لا تَعْبِوا الآخرين و لا تَفْضَحُوا أسرارهم.
- (٣) ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ فَلا تَقْتَرِبُوا مِنَ الذُّنُوبِ الكَبِيرَةِ و الصَّغِيرَةِ﴾
- (٤) الإِسْتِهْزَاءُ بالآخرين و تسميتهم بالأسماء القبيحة أمرٌ مذمومٌ.

٨٣٤- مَيِّزْ (أفعل) جاء لِلتَّفْضِيلِ:

- (١) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾
 (٢) الصَّدِيقُ الْوَفِيُّ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكَ عِيُوبَكَ.
 (٣) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
 (٤) أَكْمَلَ هَذَا التَّلْمِيزَ وَاجِبَاتِهِ فِي الْمَنْزِلِ.

٨٣٥- مَيِّزْ كَلِمَةَ (شَرٌّ) تَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

- (١) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ.
 (٢) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.
 (٣) الْجِدَالُ بَيْنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ دَائِمِيٌّ.
 (٤) أَلَيْسَ التَّفَاقُّ شَرُّ الْأَعْمَالِ؟

٨٣٦- عَيِّنْ مَا فِيهِ اسْمُ مَكَانٍ:

- (١) سَوْفَ يَتَوَقَّفُ الْمَطَرُ فَتَذْهَبُ لِمُشَاهَدَةِ الْمُتَسَابِقِينَ الَّذِينَ جَاؤُوا مِنْ نَوَاحِي مُخْتَلِفَةٍ.
 (٢) الْأُمُّ الَّتِي تَحَرَّكَ مَهْدُ مَوْلُودِهَا تَحَرَّكَ الْعَالَمُ بِبَيْدِهَا الْآخَرَى.
 (٣) فِي مَتَجَرِّ صَدِيقِي أَفْضَلَ السَّرَاوِيلِ وَأَسْعَارُهَا لَيْسَتْ غَالِيَةً جِدًّا.
 (٤) فِي الْآخِرَةِ لَا يُحْمَلُنَا اللَّهُ مَسْئُولِيَةَ الْأَعْمَالِ الَّتِي لَيْسَتْ بِمَقْدُورِنَا.

٨٣٧- مَيِّزِ الْخَطَأَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:

- (١) ذَلِكَ مَتَجَرٌّ وَاسِعٌ: مفرد مذكر، اسم مكان على وزن (مَفْعَل)
 (٢) يَعْمَلُ الْعُمَالُ فِي الْمَعَادِنِ: جمع تكسير مفردة مشتق (اسم مكان)
 (٣) تُطْبِعُ الْكُتُبَ فِي الْمَطْبَعَةِ: مشتق، اسم مكان مؤنث
 (٤) بَنَى الْمُهَنْدِسُونَ هَذَا السَّدَّ قَوِيًّا: اسم مكان، مفرد مذكر، مشتق

٨٣٨- مَيِّزْ (أفعل التفضيل) يَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى:

- (١) جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ سَبْلَانِ.
 (٢) سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ.
 (٣) آسِيَا أَكْبَرُ الْقَارَاتِ فِي الْعَالَمِ.
 (٤) أَحْسَنُ الْأَعْمَالِ هِيَ الَّتِي يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ.

٨٣٩- مَيِّزْ مَا فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) أَنْظِرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَةً.
 (٢) وَأَنْظِرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ.
 (٣) وَأَنْظِرْ إِلَى مَدَارِ التَّجُومِ وَأَضْوَائِهَا الْمُنْتَشِرَةِ.
 (٤) وَأَنْظِرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ.

٨٤٠- مَا هُوَ الْخَطَأُ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِكَلِمَاتِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ؟ (لا شيء أَضَرُّ مِنَ الْجَهْلِ وَالتَّكَاسُلِ فِي الْأُمُورِ).

- (١) شَيْءٌ: اسم مفرد مذكر، جامد
 (٢) أَضَرُّ: اسم تفضيل، مذكر
 (٣) الْجَهْلُ: اسم مفرد مذكر، مشتق
 (٤) الْأُمُورُ: جمع تكسير، مفردة مذكر، جامد

٨٤١- عَيِّنْ اسْمَ الْفَاعِلِ مِنَ الْمَجْرَدِ الثَّلَاثِي:

- (١) النَّاسُ فِي مَسِيرِ حَيَاتِهِمْ يَبْحَثُونَ عَنْ أَصْدِقَاءٍ مُخْلِصِينَ!
 (٢) هَؤُلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ يُحَاوِلُونَ فِي سَبِيلِ تَعْلِيمِ التَّلَامِيذِ!
 (٣) سَيَصِلُ الطُّلَابُ إِلَى أَهْدَافِهِمْ بِالْجُهِدِ وَالسَّعْيِ!
 (٤) كَانَتْ تِلْكَ الشَّجَرَةُ الْجَمِيلَةُ مُشْرِفَةً عَلَى دَارِنَا!

٨٤٢- مَيِّزِ الصَّحِيحَ (فِي أَسْلُوبِ التَّفْضِيلِ):

- (١) سُورَةُ الْبَقَرَةِ كُبْرَى سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ.
 (٢) آسِيَا أَكْبَرُ أُرُوتَا.
 (٣) كَانَ هَذَا الْكِتَابُ مِنْ أَعْلَى الْكُتُبِ فِي الْمَكْتَبَةِ.
 (٤) تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرَةً مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

٨٤٣- مَيِّزْ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) مَكْتَبَةُ مَدْرَسَتِنَا صَغِيرَةٌ وَلَكِنَّهَا مُفِيدَةٌ جِدًّا.
 (٢) جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا!
 (٣) رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صَدِيقٍ وَإِجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ الْجَنَّةِ!
 (٤) مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ!

٨٤٤- مَيِّزْ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) لَوْنُ الْغَرَابِ أَسْوَدٌ وَلَوْنُ الْمَوْزِ أَضْفَرٌ وَلَوْنُ الشَّجَرَةِ خَضِرَاءُ!
 (٢) كَانَتْ لَنَا فِي هَذَا الْمَنْزِلِ أَخْلَى ذِكْرِيَاتِ.
 (٣) هَؤُلَاءِ مِنْ أَنْصَارِ الْحَقِّ وَالْحَقِيقَةِ.
 (٤) يَعْمَلُ فِي هَذَا الْمَصْنَعِ أَرْبَعُ مُهَنْدِسَاتٍ مُجْتَهِدَاتٍ.

٨٤٥- مَيِّزْ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَفْضَلُ مُطَالَعَةِ دُرُوسِي فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَمَرَاجَعَتِهَا.
 (٢) أَخِيرًا تَوَصَّلْتُ إِلَى طَرِيقَةٍ سَهْلَةٍ لِحَلِّ هَذِهِ الْمَسَائِلِ.
 (٣) سَأَلْنَا الْمُعَلِّمَ: مَنْ أَعَزَّ مَقَامًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟
 (٤) الْمُؤْمِنُونَ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ وَيَذْكُرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا.

٨٤٦- مَيَّزَ كلمة (أفضل) تختلف في المعنى:

(١) أفضل الأعمال الكسب من الحلال.

(٣) أفضل الناس من ينفع الناس.

(٢) أفضل الأمور أوسطها.

(٤) هذا الكتاب أفضل من ذلك الكتاب بكثير.

٨٤٧- مَيَّزَ ما لم يُذكر في العبارات التالية (يا صانع كلِّ مصنوع يا خالق كلِّ خلق يا رزاق كلِّ العالمين يا مالك كلِّ مملوك وَفَّقني في الدنيا والآخرة):

(١) اسم مبالغة

(٣) جمع مذكر سالم

(٢) اسم تفضيل

(٤) جمع تكسير

٨٤٨- مَيَّزَ كلمة «خير» مختلفة:

(١) خير الناس من ينفع الناس!

(٣) لا خير في الكذب والتفاد أبدأ!

(٢) إفعلوا الخير و شجعوا الناس عليه!

(٤) لا تنسوا ذكر الخير في جميع الأحوال!

٨٤٩- مَيَّزَ ما فيه اسم المكان و اسم التفضيل معاً:

(١) يستفيد معلّمنا من أقلّ الكلمات لبيان مقاصده.

(٢) أحبُّ إخواني من يرشدني إلى طريق الحقّ والهداية.

(٣) كان للبيان و القصّاحة إهتمام بالغ بين الناس في مبعث الرسول (ص).

(٤) الطمّع الشديد يوقع الإنسان في المهالك والمصاعب العديدة.

٨٥٠- مَيَّزَ ما ليس فيه اسم تفضيل أو اسم مكان:

(١) كانت من أهمّ وصايا أبينا هي الالتزام بالتّظيم و الأخلاق.

(٢) هناك مزارع يعمل بجِدّ و نشاط و يحصد محاصيله كلّ فصلٍ بسرور.

(٣) اجتنبوا مواضع التّهم و ابتعدوا عن المنافقين و الكذّابين.

(٤) الغيبة هي أن تذكر عيوب الناس عند الآخرين.

٨٥١- في العبارة التالية «إبحث عن شعراء إيرانيين آخرين أنشدوا ملامح و اذكر أبياتاً من قصائدهم» لا يوجد:

(١) اسم فاعل

(٣) اسم مفعول

(٢) اسم تفضيل

(٤) اسم مكان

٨٥٢- مَيَّزَ ما فيه اسم تفضيل:

(١) احترم الأب ابنه الصّغير و اجلسه إلى جانبه.

(٢) أحسنّت، كانت أجاباتي واضحة لجميع الطالبات.

(٣) افعلوا الخير و اجتنبوا الشرّ و اعلموا أنّ الله يعلم كلّ شيء.

(٤) أعلم الناس، من جمّع علم الناس إلى علمه.

٨٥٣- مَيَّزَ ما ليس فيه اسمان للتفضيل:

(١) يا أيّها العاقل اعلم بأنّه خير الأمور أوسطها.

(٢) ليس شيء أثقل في الميزان من عمل الخير.

(٣) شرّ الناس ذو الوجهين و من يذكر عيوب الآخرين.

(٤) أحبّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده.

٨٥٤- مَيَّزَ الخطأ في التحليل الصرفي أو الإعراب أو المحلّ الإعرابي لما تحته خطّ (ألقى معاون الرئيس خطاباً مؤثراً في مقرّ منظمّة الأمم المتّحدة):

(١) معاون: اسم، اسم فاعل، من باب مفاعلة / فاعل و هو مضاف

(٢) مؤثراً: اسم، اسم فاعل باب تفعيل، نكرة / صفة

(٣) مقرّ: اسم، مفرد مذكر، اسم مكان / مجرور بحرف الجر

(٤) المتّحدة: اسم، مفرد مؤنث معرفة، اسم مفعول / صفة و موصوفه «الأمم»

٨٥٥- مَيَّزَ الصّحيح في التحليل الصرفي لما تحته خطّ (قال زميلي: هذه الحديقة تُغلق في الساعة الثامنة مساءً):

(١) فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي من باب إفعال، معلوم / فاعله ضمير مستتر

(٢) فعل ماضٍ، للغائب من باب تفعل، معلوم / فاعله ضمير مستتر

(٣) فعل مضارع، للمخاطب، مزيد ثلاثي، مجهول / فعل و نائب فاعله ضمير مستتر و الجملة وصفية لـ (الحديقة)

(٤) فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي (مصدره: إغلاق)، مجهول / فعل و فاعله مستتر و هو خبر لـ (هذه)

تست‌های واژگان، ترجمه و مفاهیم

ما هو المناسب للفراغ حسب المعنى (۸۵۹ - ۸۵۶):

- ۸۵۶- «..... مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ التَّوَّاضُّلِ بَيْنَ النَّاسِ.»
 (۱) الفُسُوقُ (۲) الغِيْبَةُ
- ۸۵۷- «.....: تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيْحَةِ.»
 (۱) الفُسُوقُ (۲) التَّجَسُّسُ
- ۸۵۸- «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ.»
 (۱) فَضَحَ (۲) أَهْدَى
- ۸۵۹- «..... مَكَانٌ تُطْبَعُ فِيهِ الْكُتُبُ.»
 (۱) المكتبة (۲) المحمل
- ۸۶۰- مَيِّزُ الْخَطَأِ فِي التَّعْرِيفِ:
 (۱) إِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ دُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ: الاستهزاء
 (۳) إِنْ نَحْنُ أَنْفُسَنَا أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ مِنَ الْآخَرِينَ: العُجْبُ
- ۸۶۱- مَيِّزُ «خَيْرٍ» تَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى:
 (۱) عَسَى أَنْ يَكُونَ صَدِيقِي خَيْرَ مَنِّي.
 (۳) هَذَا الْعَمَلُ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ بِكَثِيرٍ.
- ۸۶۲- مَيِّزُ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمْعُ التَّكْسِيرِ:
 (۱) أَلَيْسَتْ الْأَسْعَاءُ غَالِيَةً فِي هَذَا الْمَنْتَجِرِ؟
 (۳) الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ تُبْعَدُ الْمُسْلِمِينَ عَنِ اللَّهِ.
- ۲) هَذَانِ الْإِخْوَانُ يُسَاعِدَانِ الْآخَرِينَ وَيُجِتَانِ الْخَيْرَ.
 (۴) قَالَ الرَّسُولُ: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.
- ۳) سُوءُ الظَّنِّ (۴) الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ
- ۳) الْغِيْبَةُ (۴) التَّنَابُزُ بِالْأَلْقَابِ
- ۳) لَمَزَ (۴) سَخِرَ
- ۳) الْمَصْنَعُ (۴) الْمَطْبَعَةُ
- ۲) هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيْحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ: التَّجَسُّسُ
 (۴) ... أَنْ تَذَكَرَ عُيُوبَ النَّاسِ عِنْدَ الْآخَرِينَ: الْغِيْبَةُ
- ۲) رَبُّمَا قَدْ جَعَلَ اللَّهَ فِي هَذَا الْأَمْرِ خَيْرًا.
 (۴) تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

تست‌های قرابت معنایی و مفاهیم

- ۸۶۳- «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ» مَا هُوَ الْأَقْرَبُ فِي الْمَفْهُومِ؟
 (۱) حُسْنُ الْخُلُقِ يَجْلِبُ الرَّاحَةَ وَالسَّعَادَةَ.
 (۳) ﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾
- ۸۶۴- مَيِّزُ الْعِبَارَةِ الَّتِي تَخْتَلِفُ مِنْ حَيْثُ الْمَفْهُومُ:
 (۱) الْخُلُقُ الْحَسَنُ أَثْقَلُ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ.
 (۳) حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ.
- ۸۶۵- مَا هُوَ الْمَفْهُومُ الْأَقْرَبُ لـ ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؟
 (۱) كُلُّ إِنْسَانٍ مَسْئُولٌ عَنْ عَمَلِهِ.
 (۳) ﴿اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾
- ۸۶۶- «أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفَاهَا!» مَفْهُومُ الْعِبَارَةِ هُوَ:
 (۱) يَجِبُ أَنْ تُخْفِيَ الْعِبَادَةَ.
 (۲) أَجْرُ الْعِبَادَةِ الْخَفِيَّةِ أَعْظَمُ.
- ۸۶۷- «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا» عَيْنُ الْمُنَاسَبِ لِلْمَفْهُومِ:
 (۱) بَهْتَرِينَ كَارِ تَوَاضَعٍ وَفِرَوْتَنِي اسْتِ.
 (۳) اعْتِدَالٌ وَمِيَانَه‌رُوی در کارها.
- ۸۶۸- مَا هُوَ الْعَيْبُ حَسَبَ هَذِهِ الْعِبَارَةِ «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِنْهُ»؟
 (۱) الْغَفْلَةُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ.
 (۳) أَنْ تَسْخَرَ مِنَ الْآخَرِينَ.
- ۲) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.
 (۴) مَنْ يَنْصَحُنَا إِلَى الْخَيْرِ فَهُوَ صَدِيقُنَا حَقًّا.
- ۲) أَكْمَلُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا.
 (۴) لَوْ عَلِمَ الْتَافُصُ بِتَقْصِيهِ لَكَانَ كَامِلًا.
- ۲) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
 (۴) لَا يُحْمَلُنَا اللَّهُ مَسْئُولِيَّةَ الْأَعْمَالِ الَّتِي لَيْسَتْ بِمَقْدُورِنَا.
- ۳) إِنَّ الْعِبَادَةَ الْخَفِيَّةَ مَأْجُورَةٌ فَقَطْ. (۴) لَا أَجْرَ لِعِبَادَةِ الْمَرْءِ إِذَا يُخْفِيهَا.
- ۲) دُورِي از عیب‌جویی و انتقاد از دیگران.
 (۴) رازداری بهترین کارهاست.
- ۲) أَنْ نَنْتَسِي عُيُوبَنَا وَنَرَى هَذِهِ الْعُيُوبَ فِي النَّاسِ.
 (۴) أَنْ نَنْصَحَ الْآخَرِينَ حَتَّى يَتْرَكُوا عُيُوبَهُمْ.

تست‌های ترجمه

مِيزُ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ (۸۶۹ و ۸۷۰):

۸۶۹- «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ يُهْدِي إِلَيْكُمْ عِيُوبَكُمْ.»:

- (۱) بهتر از برادرانتان کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه بدهد.
- (۲) بهترین برادران شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه بدهد.
- (۳) بهترین برادران اوست که عیوب را به شما می‌گوید.
- (۴) کسی که عیب شما را به شما هدیه بدهد، بهترین برادران است.

۸۷۰- ﴿لَا تَكْمُرُوا أَنْفُسَكُمْ﴾:

- (۱) خود را بی‌عیب ندانید.
- (۲) خود را در مهلکه نیندازید.
- (۳) به دنبال عیوب دیگران نباشید.
- (۴) از خود (یکدیگر) ایراد و عیب نگیرید.

۸۷۱- مِيزُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) هَذَا مَتَجَرِّ زَمِيلِي وَفِيهِ مَلَائِسُ كَثِيرَةٌ: این مغازه همکار من است و در آن لباس‌های فراوانی است.
- (۲) سِعْرُهَا يَخْتَلِفُ حَسَبَ نَوْعِيَّتِهَا: بهای اجناس آن‌ها متفاوت است.
- (۳) سِعْرُ بَعْضِهَا لَيْسَ رَخِيصًا: بهای برخی از آن‌ها ارزان نیست.
- (۴) لِأَنَّهَا مِنْ أَحْسَنِ الْبَضَائِعِ الْمَوْجُودَةِ فِي السُّوقِ: برای اینکه از بهترین اجناس موجود در بازار است.

۸۷۲- مِيزُ الْخَطَا:

- (۱) ﴿جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾: مُجَادِلُهُ كُنْ تَا بِهِ بَهْتَرِينَ بَرَسِي.
- (۲) ﴿لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾: از یکدیگر غیبت نکنید.
- (۳) لَا تَقْضَحُوا أَسْرَارَ الْآخَرِينَ: رازهای دیگران را برملا نسازید.
- (۴) ابْتَعِدُوا عَنِ الْعُجْبِ: از خودپسندی دوری کنید.

۸۷۳- مِيزُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِثْلًا: مسلماً بین مردم بهتر از ما پیدا می‌شود.
- (۲) فَعَلَيْنَا أَنْ نَتَذَكَّرَ عِيُوبَنَا وَنُصْلِحَهَا: پس بر ماست که عیب‌های خود را به یاد آوریم و آن‌ها را اصلاح کنیم.
- (۳) وَنَتَسَّى عِيُوبَ الْآخَرِينَ وَنُخْطِئَهُمْ: و عیب‌ها و خطاهای دیگران را فراموش کنیم.
- (۴) وَنَبْتَعدَ عَنِ الْعُجْبِ وَالِاسْتِهْزَاءِ: و از خودپسندی و ریشخند کردن دوری کنیم.

۸۷۴- مِيزُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) مَكْتَبَةُ الْإِسْكََنْدَرِيَّةِ مِنْ أَكْبَرِ مَكْتَبَاتِ الْعَالَمِ: کتابخانه اسکندریه از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان است.
- (۲) وَلَا تَوْجَدُ مَكْتَبَةً أَكْبَرَ مِنْ مَكْتَبَةِ الْإِسْكََنْدَرِيَّةِ فِي الْعَالَمِ: و کتابخانه‌ای بزرگ‌تر از کتابخانه اسکندریه در جهان وجود ندارد.
- (۳) مَكْتَبَةُ مَدِينَتِنَا أَصْغَرُ مِنْ مَكْتَبَةِ الْإِسْكََنْدَرِيَّةِ بَكْثِيرٍ: کتابخانه شهر ما بسیار کوچک‌تر از کتابخانه اسکندریه است.
- (۴) وَ الْكُتُبُ الْعَرَبِيَّةُ فِيهَا أَكْثَرُ مِنَ الْكُتُبِ الْآخَرَى: و کتاب‌های عربی بیشترین کتاب‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

۸۷۵- «بَهْتَرِينَ مَرْدَمَ، سَوْدَمَنْدَتَرِينَ آنان برای مردم است.»، مِيزُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) أَفْاضِلُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ كَثِيرًا.
- (۲) أَنْفَعُ النَّاسِ أَفْضَلُهُ لِلنَّاسِ.
- (۳) أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ.
- (۴) أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُ مِنَ النَّاسِ لَهُمْ.

۸۷۶- «خودت را بیازمای»:

- (۱) سَوْفَ اخْتَبَرُهُ بِنَفْسِي.
- (۲) اخْتَبَرْتُ نَفْسَكَ.
- (۳) اخْتَبَرَنِي بِنَفْسِهِ.
- (۴) اخْتَبَرْتُ بِنَفْسِكَ.

۸۷۷- «داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.»:

- (۱) أَعْلَمُهُمُ لِلنَّاسِ الَّذِي يَجْمَعُونَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
- (۲) أَكْثَرُ النَّاسِ عِلْمًا مَنْ جَمَعَ عُلُومَ النَّاسِ إِلَى عُلُومِ نَفْسِهِ.
- (۳) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ يَجْمَعُ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
- (۴) الَّذِي يَجْمَعُ عِلْمَهُ مِنَ النَّاسِ هُوَ أَعْلَمُهُمُ.

عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۸۸۸ - ۸۷۸):



۸۷۸- «إِنَّ مِنْ أَخْلَصِ النَّاسِ مَنْ تَجَرَّى يَنْابِغُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ!»:

- ۱) از مردم با اخلاص تر کسی است که چشمه‌های حکمتی از قلب وی بر زبانش روانه شود!
- ۲) کسی که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود، از خالص‌ترین مردم است!
- ۳) از خالص‌ترین مردمان کسی است که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبان وی جاری شده باشد!
- ۴) کسی که چشمه‌های حکمت را از قلب خویش بر زبان روانه سازد، از با اخلاص‌ترین مردمان است!

۸۷۹- «لِي الْآنَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ، وَ مَا كَانَ لِي قَبْلَ هَذَا أَكْثَرُ مِنْ مِائَةِ كِتَابٍ!»:

- ۱) فعلاً کتابخانه‌ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!
- ۲) کتابخانه من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً بیش از صد کتاب نداشتم!
- ۳) اکنون کتابخانه بزرگی دارم، و حال اینکه قبل از این بیش از یکصد کتاب نداشتم!
- ۴) کتابخانه‌ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این بیشتر از صد کتاب نداشتم!

۸۸۰- «الْغَرِيبُ فِي هَذَا الظَّاهِرَةِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ مُتَعَلِّقَةٌ بِمِيَاهِ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي هُوَ أَبْعَدُ مِنْ هُنَاكَ بِمِائَتِي كِيلُومِتْرٍ!»:

- ۱) عجیب است در این پدیده که ماهیان متعلق به آب‌های اقیانوس اطلسی است که دویست کیلومتر دور از آنجاست!
- ۲) عجیب در این پدیده این است که ماهی‌ها به آب‌های اقیانوس اطلسی که دویست کیلومتر دورتر از آنجاست تعلق دارد!
- ۳) در این پدیده، شگفت‌آور است که این ماهیان به آب‌های اقیانوس اطلسی تعلق دارند که از آنجا دویست کیلومتر دورتر است!
- ۴) در این پدیده، شگفتی در این است که این ماهی‌ها به آب‌های اقیانوس اطلس متعلقند که از آنجا دویست کیلومتر، دور می‌باشد!

هنر - ۹۱

۸۸۱- «مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ، تَظَاهَرُهُ بِالْغَفْلَةِ عَنْ أَخْطَاءِ الْآخِرِينَ.»:

- ۱) بهترین کار یک انسان بخشنده، تظاهر کردن به بی‌اطلاعی است در مورد خطای دیگران.
- ۲) از بهترین کارهای انسان کریم، تظاهر کردن اوست به عدم اطلاع درباره اشتباهات دیگران.
- ۳) از برترین اعمال نیک اشخاص بخشنده، این است که اشتباهات دیگران را نادیده بگیرند.
- ۴) برترین اعمال شخص کریم این است که در مورد خطاهای دیگران بی‌اطلاع جلوه کند.

ریاضی - ۹۵

۸۸۲- «امروز در جهان کنونی ترک کردن کوچک‌ترین اشتباهات، از بزرگ‌ترین فضیلت‌ها به‌شمار می‌رود.»:

- ۱) الْيَوْمُ فِي الْعَالَمِ الْحَالِي تَرَكَ أَصْغَرَ الْخَطَا يُعْتَبَرُ أَكْبَرَ فَضَائِلِكْ.
- ۲) الْيَوْمُ فِي الْعَالَمِ الْمُعَاوِرِ تَرَكَ أَصْغَرَ الْأَخْطَاءِ يُعَدُّ مِنْ أَكْبَرِ الْفَضَائِلِ.
- ۳) هَذِهِ الْأَيَّامُ فِي الْعَالَمِ الْحَالِي تَرَكَ أَصْغَرَ مَعَاصِيكَ يُعَدُّ مِنْ أَكْبَرِ فَضَائِلِكْ.
- ۴) هَذَا الْيَوْمُ فِي الْعَالَمِ الْمُعَاوِرِ تَرَكَ الْأَشْتَبَاهَاتِ الْأَصْغَرَ يُعْتَبَرُ مِنْ فَضَائِلِ أَكْبَرِ.

خارج از کشور - ۹۵

۸۸۳- «ضربان قلب انسان از زیباترین نغمات موسیقی در آفرینش هستی است.»:

- ۱) إِنَّ لِقَلْبِ الْإِنْسَانِ دَقَّاتٍ مِنْ أَحْسَنِ نَغْمَاتِ لِلْمَوْسِيقِي فِي الْخِلْقَةِ الْعَالَمِيَّةِ.
- ۲) تَكُونُ لِقَلْبِ الْإِنْسَانِ دَقَّاتٌ مِنْ أَحْسَنِ أَصْوَاتِ الْمَوْسِيقِيَّةِ فِي خَلْقِ الْعَالَمِ.
- ۳) تَكُونُ دَقَّاتُ قَلْبِ الْإِنْسَانِ مِنْ أَجْمَلِ الْأَلْحَانِ الْمَوْسِيقِيَّةِ فِي عَالَمِ الْخِلْقَةِ.
- ۴) إِنَّ دَقَّاتَ قَلْبِ الْإِنْسَانِ مِنْ أَجْمَلِ نَغْمَاتِ الْمَوْسِيقِي فِي خِلْقَةِ الْعَالَمِ.

انسانی - ۸۷

۸۸۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) أَلَيْسَ الْعِلْمُ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنَ الثَّرْوَةِ: آیا نزد تو، علم، محبوب‌تر از ثروت نیست.
- ۲) اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا نَعْمَلُ فِي كُلِّ زَمَانٍ: خداوند بر آنچه در هر زمان انجام می‌دهیم، آگاه‌تر است.
- ۳) هَذَا بَلَدَانِ أَكْبَرُ بَلَدَيْنِ شَاهِدْتُهُمَا: این دو شهر از شهرهای بزرگی هستند که آن‌ها را شناخته‌ام.
- ۴) إِنَّ أَحْسَنَ التَّلَامِيزِ مَنْ يُسَاعِدُونَ الْآخِرِينَ: بهترین دانش‌آموزان کسانی هستند که به دیگران کمک می‌کنند.

زبان - ۹۶

۸۸۵- «لَا يَتَغَلَّبُ عَلَيْكَ الْيَأْسُ عِنْدَمَا تَفْقَدُ شَيْئًا جَمِيلًا قَبْضُ الْأَحْيَانِ يَجِبُ أَنْ يَرْحَلَ الْجَمِيلُ لِيَأْتِيَ الْأَجْمَلُ.»:

- ۱) ناامید مباش وقتی چیز زیبایی را از دست دادی چون باید زیبا برود تا زیباترین بیاید.
- ۲) ناراحتی بر تو چیره نشود هنگام از دست دادن چیز زیبا چه گاهی زیبا می‌رود تا زیباتر بیاید.
- ۳) هنگامی که چیز زیبا را از دست می‌دهی دچار ناامیدی مشو، چون زیبا می‌رود تا زیباتر بیاید.
- ۴) وقتی چیز زیبایی را از دست می‌دهی نومیدی بر تو غلبه نکند، زیرا گاهی باید زیبا برود تا زیباتر بیاید.

زبان - ۸۸

۸۸۶- «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَبْدَأُ بِتَأْدِيبِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِ غَيْرِهِ.»:

- (۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند.
- (۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که دیگری به تأدیب خود پردازد.
- (۳) فاضل‌ترین مردم آن است که ادب کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد.
- (۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری، به ادب کردن خود پردازد.

زبان با اندکی تغییر - ۹۵

۸۸۷- «کسی که از پروردگارش اطاعت کند، خیرخواه‌ترین مردم نسبت به خویشتن است!»، عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) الَّتِي أَطَاعَتْ رَبَّهَ فَهِيَ خَيْرُ النَّاسِ بِالنِّسْبَةِ إِلَى نَفْسِهَا!
- (۲) مَنْ أَطَاعَتْ رَبَّهَا فَإِنَّهُ مِنْ أَفْضَلِ النَّاسِ لِنَفْسِهِ!
- (۳) الَّذِي يَقُومُ بِطَاعَةِ رَبِّهِ فَهُوَ خَيْرُ النَّاسِ لِنَفْسِهِ!
- (۴) مَنْ أَطَاعَ رَبَّهَ، فَهُوَ أَنْصَحُ النَّاسِ لِنَفْسِهِ!

تجربی - ۹۲

۸۸۸- «شایسته اهداف عالیّه تو است که همّت زیادی صرفشان کنی!»:

- (۱) يَلِيقُ لِغَايَاتِكَ السَّامِيَةِ أَنْ تَبْذُلَ لَهَا هِمَّةً كَثِيرَةً!
- (۲) مَنْ اللَّائِقُ لِأَهْدَافٍ قِيَمَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ لَهَا هِمَّتَكَ الْكَثِيرَةَ!
- (۳) لَائِقُ لَكَ وَلِأَهْدَافِكَ السَّامِيَةِ أَنْ هِمَّةً كَثِيرَةً يُبْذَلَ لَهَا!
- (۴) يَنْبَغِي لَكَ وَلِغَايَاتِكَ الْقِيَمَةَ أَنْ تَخْرُجَ هِمَّتَكَ الْكَثِيرَةَ لَهَا!



۷۹۸-گزینه ۲ گزینه (۴) نادرست است زیرا همان‌طور که در سطر اول متن آمده بود، انسان‌ها در آغاز کامپیوتر را فقط برای جمع‌آوری اطلاعات در نظر گرفته بودند و فکر نمی‌کردند که یار و یاور و دوست آن‌ها باشد و احساس آن‌ها را درک کند.

۷۹۹-گزینه ۱ شاید در آینده شاهد دگرگونی و تغییر در شکل و تعریف مدرسه‌ها) باشیم (با ورود آموزش‌های مجازی و آنلاین).

۸۰۰-گزینه ۴ در سطر آخر متن گفته شده که معلم می‌تواند از طریق کامپیوتر بر تکالیف بچه‌ها نظارت کند در حالی که در گزینه (۴) خلاف این مطلب را ذکر می‌کند.

۸۰۱-گزینه ۳ قطار اختراعات و نوآوری در هیچ زمانی متوقف نخواهد شد.

۸۰۲-گزینه ۱ (مُلاِئِمَة) اسم فاعل مؤنث از (لَا تَم - یَلِیْم) و باب (مُفاعِلَة) است. در ضمن صفت برای کلمه (المَوَاقِف) است.

۸۰۳-گزینه ۳ یُتَابِعُون (مفرد آن = یُتَابِع) به باب (مُفاعِلَة) رفته و چون مضارع و یک حرف ما قبل آخر آن کسره (ـِ) است، معلوم می‌باشد نه مجهول و فاعل آن در خود فعل به صورت ضمیر بارز و آشکار آمده است.

۸۰۴-گزینه ۲ فعل (یُشْرِف) مضارع از (أَشْرَف - یُشْرِف - إشراف) است یعنی معلوم و به باب (إفعال) رفته است. (المعلّم) چون قبل از آن آمده، نمی‌تواند فاعل باشد، بلکه فاعل این فعل، ضمیر مستتر (هو) است.

۸۰۵-گزینه ۴ (تَتَفَكَّرُون) چون متعلّق به باب (تَفَعَّل) است، حرکت یک حرف ما قبل آخر آن باید فتحه باشد نه کسره، یعنی باید به صورت (تَتَفَكَّرُون) بیاید. دقت کنید که در گزینه (۳)، (أَحْسِنُ) فعل امر و (أَحْسَنَ) فعل ماضی از باب (إفعال) هستند.

۸۰۶-گزینه ۴ هاتِف «تلفن» برای گزینه (۴) نامناسب است. معنی گزینه (۴): (لطفاً برای شارژ موبایل من بده). که در جواب آن می‌توان از کلمه (رصد: اعتبار، شارژ (پولی) تلفن) استفاده کرد. معنی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): یَتَخَرَّجُ: فارغ التحصیل می‌شود ← برادر بزرگ من امسال از دانشگاه فارغ التحصیل می‌شود. / گزینه (۲): مهرجان: جشنواره ← جشنواره فیلم ماه آینده برگزار خواهد شد. / گزینه (۳): الغد: غده‌ها ← غدد محل‌هایی در بدن هستند که هورمون‌ها از آن‌ها ترشح می‌شود.

۸۰۷-گزینه ۲ مَیِّز الموصوف مضافاً = موصوفی را پیدا کنید که مضاف الیه داشته باشد و به عبارت ساده‌تر ترکیب وصفی را پیدا کنید که بین موصوف و صفت آن مضاف الیه آمده باشد. گزینه (۲):

... طَلَابِ الصَّفِّ الْمُجْتَهِدِینَ: دانش‌آموزان کوشای کلاس
موصوف و مضاف مضاف الیه صفت

۸۰۸-گزینه ۲ ما می‌دانیم فعل‌هایی که به باب‌های (تَفَاعُل) یا (تَفَعَّل) می‌روند، برخی از صیغه‌های ماضی غایب آن‌ها، شبیه امر مخاطب می‌شود. بنابراین فعل‌هایی مانند (تَعَاوَنُوا، تَفَكَّرُوا، تَكَاَسَلُوا...) اگر در جمله به کار نروند، هم می‌توانند ماضی باشند هم امر، اما در گزینه (۲) از روی (أَیُّهَا الْعُقَلَاء) که بر منادا دلالت دارد، به مخاطب (دوم شخص) بودن فعل جمله پی می‌بریم و در نتیجه (تَفَكَّرُوا) در آن عبارت نمی‌تواند بر ماضی دلالت کند چون فعل‌های ماضی مخاطب به (تَ، ثَمَّا، ثُمَّ و...) ختم می‌شوند در حالی که بر امر مخاطب دلالت دارند.

۱- دقت کنید که در کنکور سراسری همیشه (تحلیل صرفی) متعلق و مربوط به کلماتی است که در متن داده شده یا در همان درک مطلب زیر آن‌ها خط کشیده شده است. تحلیل صرفی معمولاً خارج جمله صورت نمی‌گیرد، بلکه باید به موقعیت و نقش کلمه در عبارت داده شده نیز توجه کرد.

۸۰۹-گزینه ۳ در گزینه (۳) بعد از جار و مجرور یعنی (لی) اسم مرفوع آمده است. در نتیجه (لی = خبر مقدّم) و (أُخْتُ = مبتدای مؤخّر) است؛ اما در بقیه گزینه‌ها جار و مجرور حالت خبر به خود نگرفته است. در گزینه‌های (۲) و (۴) بعد از جار و مجرور فعل آمده نه اسم مرفوع و در گزینه (۱)، جار و مجرور بعد از مبتدا آمده و در این حالت با نبودن انواع دیگر، آن (جار و مجرور) را خبر به شمار می‌آوریم. ولی در گزینه (۱)، حاضرون آمده و در نتیجه آن را خبر (نوع خبر = مفرد) به حساب می‌آوریم نه (فی المدرسة).
۸۱۰-گزینه ۳ (حتّی) اگر با فعل بیاید، حرف ناصبه و اگر با اسم بیاید حرف جر است. در گزینه (۳) مستقیماً بعد از (حتّی) اسم (غروب) آمده و در نتیجه حرف جر است، اما در بقیه گزینه‌ها حرف ناصبه است.

۸۱۱-گزینه ۲ دقت کنید که (نون وقایه) علاوه بر فعل با برخی از حروف مانند (إِنَّ، كَأَنَّ، لَیْسَ و...) نیز می‌آید. در گزینه (۲)، نون وقایه با (لَیْسَ) آمده است. در بقیه گزینه‌ها نون وقایه نداریم، زیرا (نون) در فعل‌های (لا تخونی (خ و ن) و أَحْسِنِ (ح س ن)) جزء حروف اصلی خود فعل است. در گزینه (۳) نیز حرف زائد نون که بعد از آن ضمیر (ی) آمده باشد، وجود ندارد.
۸۱۲-گزینه ۴ یَدُلُّ عَلَى كَثْرَةِ الصِّفَةِ فِي صَاحِبِهِ = اسم مبالغه. در گزینه (۴)، کلمه صَبَاطَة «بسیار صبرکننده» بر وزن (فَعَالَة) و اسم مبالغه می‌باشد. دقت کنید که در گزینه (۳)، (فَقَهَاء و حُرَّاس) جمع مکسر هستند و مفرد آن‌ها به ترتیب (فقیه و حارس) می‌باشد و هیچ کدام اسم مبالغه نمی‌باشند.
۸۱۳-گزینه ۴ فاعله محذوف = فعل مجهول. در گزینه (۴)، فعل (یُسَمَّى) مجهول و در نتیجه فاعل آن محذوف است. افعال در بقیه گزینه‌ها همگی معلوم هستند. دقت کنید که (فاعله مستتر) را با (فاعله محذوف) اشتباه نگیرید، زیرا اولی بر فعل معلومی دلالت دارد که فاعل بعد از فعل ذکر نشده است.

۸۱۴-گزینه ۱ در گزینه (۱) کلمه «أُزِقَ: آبی» با اینکه بر وزن «أفعل» است، اما چون بر «رنگ» دلالت دارد، اسم تفضیل نمی‌باشد، بلکه «صفت مُشَبَّه» است. در سایر گزینه‌ها کلمات (أَهْمَ، كُبْرَى ← مؤنث اکبر) و (أَرْحَصَ، «اسم تفضیل» هستند.

۸۱۵-گزینه ۳ کلمه «خیر» در گزینه (۳) به معنی «خوبی» است و حالت تفضیلی ندارد، در نتیجه جامد است. اما در سایر گزینه‌ها به معنی «بهتر» یا «بهترین» است و اسم تفضیل به شمار می‌رود. در گزینه‌های (۲) و (۴) مستقیماً بعد از «خیر»، «من» آمده است و در گزینه (۱) بعد از آن مضاف الیه آمده است.
۸۱۶-گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۴) اسم تفضیل ندارد. دقت کنید که کلمه «الخیر» در گزینه (۴) به معنی «خوبی» و جامد است.

گزینه (۱): أَقْوَى (بر وزن أَفْعَل) = قوی‌تر / گزینه (۲): آخِر (الْآخِر: بر وزن أَفْعَل) = دیگر / گزینه (۳): أُخْرَى (مؤنث آخر) = دیگر

۸۱۷-گزینه ۳ «أحمر» (قرمز) چون بر رنگ دلالت دارد، مؤنث آن بر وزن «فَعْلَاء» خواهد بود: «حُمَرَاء»

۸۱۸-گزینه ۳ کلماتی که بر وزن «أفعل» هستند مانند «أحبّ، أكرم، أحسن و...»، بر حسب معنی و موقعیت جمله گاهی «اسم تفضیل» و گاهی «فعل ماضی» هستند، که از روی قرائن و نشانه‌های موجود در جمله به نوع آن‌ها پی می‌بریم. نوع «أحبّ» در گزینه‌ها: «أُحِبُّ» در گزینه (۱) مضارع متکلم وحده از فعل «أحبّ - حُبّ» و به معنی «دوست دارم» می‌باشد. / در گزینه (۲) حرف «ث» در آخر آن، حتماً نشانه «فعل ماضی مفرد مؤنث» است. / در گزینه (۳) «اسم تفضیل» و به معنی «دوست‌داشتنی‌ترین» یا «محبوب‌ترین» است. / در گزینه (۴) «فعل ماضی مفرد مذکر» و به معنی «دوست داشت» می‌باشد.

۸۱۹-گزینۀ ۱ دقت کنید کلمه (غرفة: اتاق) چون بر وزن (مَفْعَل، مَفْعُول یا مَفْعَلَة) نمی باشد، اسم مکان به شمار نمی رود. همچنین کلمه فُنْدُق (هتل، مسافرخانه)، اما (اسم مکان) در سایر گزینه ها:

گزینۀ (۲): المَطَاعِم: مفرد آن = مَطْعَم (غذاخوری، رستوران) / گزینۀ (۳): مَجَالَات: مفرد آن = مَجَال: بر وزن مَفَال (عرصه، زمینه) / گزینۀ (۴): مَكْتَبَة: بر وزن مَفْعَلَة (کتابخانه)

۸۲۰-گزینۀ ۳ در گزینۀ (۳) کل کلمات بر اسم مکان دلالت دارند: «مَطَار»: (فرودگاه - محل پرواز)؛ بر وزن مَفْعَل (مفال) / «مَكْتَب»: (دفتر کار)؛ بر وزن مَفْعَل / «مَخَارِج»: (انبار - محل نگهداری کالا)؛ مفرد آن «مَخْرَج» و بر وزن مَفْعَل است. / «مُخْتَبَر»: (آزمایشگاه - محل آزمایش) با (مُ) شروع و حرف ما قبل آخر آن مفتوح (ت) است، یعنی از غیر ثلاثی مجرد ساخته شده است. اما در سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): فقط کلمه «مَلَبَس» (مفرد آن = مَلْبَس) اسم مکان است. / گزینۀ (۲): فقط کلمه «مَنَاظِر»، (مفرد آن = مَنَظَر) اسم مکان است. / گزینۀ (۴): کلمه «مَزَار»، (بر وزن مَفَال = مَفْعَل) اسم مکان است. کلمه (مُقَدَّس، نیز می تواند اسم مکان باشد).

۸۲۱-گزینۀ ۲ در گزینۀ (۲) نه (اسم مکان) به کار رفته است، نه (اسم تفضیل). اما در سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): مَطْبَخ بر وزن «مَفْعَل» و اسم مکان است. / گزینۀ (۳): مَلْعَب (محل بازی - استادیوم) و بر وزن «مَفْعَل» است. / گزینۀ (۴): مَغْرَب و مَشْرِق و استثناء اسم مکان است.

۸۲۲-گزینۀ ۴ در گزینۀ (۴) مستقیماً بعد از کلمه (شَر) مضاف الیه آمده است، بنابراین حتماً اسم تفضیل (مشتق) است و به معنی «بدترین». اما در سایر گزینه ها چنین نیست و کلمه «شَر»، «مصدر و جامد» است و به معنی «بدی».

۸۲۳-گزینۀ ۳ در گزینۀ (۳)، اسم مفعول نداریم زیرا الْمُتَلَتِّمُون (مفرد آن = مُتَلَتِّم) اسم فاعل است و الْمَسْرَح (بر وزن مَفْعَل) به معنی (تئاتر) و اسم مکان است، اما در بقیه گزینه ها اسم مفعول داریم: گزینۀ (۱): الْمُسْتَضْعَفَة / گزینۀ (۲): الْمَخْطُوطَات (مفرد آن = مَخْطُوط (بر وزن مَفْعُول)) / گزینۀ (۴): المعروفین

۸۲۴-گزینۀ ۳ در گزینۀ (۳)، کلمات (سُفْلَى) و (وُسْطَى) بر وزن فُعْلَى هستند و به ترتیب مؤنث (أسفل) و (أوسط) هستند و کلمه أَفْضَل (بر وزن أَفَاعِل) جمع مکسر أَفْضَل (اسم تفضیل بر وزن أَفْعَل) و (أَعْلَى) بر وزن (أَفْعَل) و به معنی «گران ترین یا گران تر» است. اما در بقیه گزینه ها:

گزینۀ (۱): فقط (أَعْظَم) و (أَكْزَم) اسم تفضیل هستند و کلمات أَبْجَاث (جمع بَحْث) و أمر اسم تفضیل نمی باشند. / گزینۀ (۲): «أَعَظِم» مفردش «أَعْظَم» بر وزن «أَفْعَل» و دُنْیا «مؤنث» (أَدْنَى) اسم تفضیل هستند، ولی اُنْثِدَاء (مفرد آن = شَدید) و أَعْمَى «نایبنا» اسم تفضیل نیستند. / گزینۀ (۴): به جز کلمه أَرَادِل (مفرد آن: أَرْدَل)، بقیه کلمات که مفرد آن ها به ترتیب (قَوّی، ولیّ و فضیلة) می باشد، اسم تفضیل نیستند.

۸۲۵-گزینۀ ۴ در گزینۀ (۴)، اسم تفضیل یا اسم مفعول یا اسم مکان نداریم. اما در بقیه گزینه ها:

گزینۀ (۱): المَطَار (فرودگاه) بر وزن فَعَال (= مَفْعَل) ← اسم مکان / گزینۀ (۲): الآخرین (مفرد آن = الآخر (بروزن أَفْعَل)) ← اسم تفضیل / گزینۀ (۳): مشهورَة (مشهور: بر وزن مَفْعُول) ← اسم مفعول

۱ - چون می تواند اسم مفعول یا اسم زمان هم باشد. به توضیح نکته (۱) مبحث اسم مکان درس یک همین کتاب مراجعه کنید.

۸۲۶-گزینۀ ۴ «مَأْوَى» در گزینۀ (۴) بر وزن «مَفْعَى» یا همان «مَفْعَل» و اسم مکان به معنی «محل پناه یا پناهگاه» می باشد.

در سایر گزینه ها کلمات «أَرْكِي، أَعْلَى و أَقْوَى» اسم تفضیل هستند. **۸۲۷-گزینۀ ۴** دو اسم تفضیل (افضل و أحسن) دارد اما اسم مکان ندارد. در بقیه گزینه ها:

گزینۀ (۱): دو اسم تفضیل: اشرف، أكبر - دو اسم مکان: مَقْبَرَة، مَقَابِر (مفرد آن: مَقْبَرَة) / گزینۀ (۲): دو اسم مکان: مَمَر، مَدْرَسَة - یک اسم فاعل: مُعَلِّم / گزینۀ (۳): یک اسم فاعل: مُرْتَبَط - یک اسم مفعول: مفهوم

۸۲۸-گزینۀ ۳ در سایر گزینه ها، کلمات (الصادقون، العَلَمَاء (مفرد آن = عالِم)، الباطل) اسم فاعل اند.

۸۲۹-گزینۀ ۱ المَقْطَر (باران) اسم مکان نمی باشد، برای اینکه بر وزن (مَفْعَل) نمی باشد و معنی اسم مکان نمی دهد.

در گزینۀ (۴) کلمه (مَنَاطِق) جمع مکسر «منطقة: بر وزن مَفَاعِل» می باشد. **۸۳۰-گزینۀ ۳** در گزینۀ (۳) کلمه «إِعْجَاب» مصدر باب «إِفْعَال» و جامد است و کلمه «أَمْر» هم جامد است و حالت تفضیلی ندارد، اما اسم تفضیل در سایر گزینه ها به ترتیب عبارت اند از:

أَفْضَل، أَعْلَم و الْأَرَادِل (مفرد آن = الْأَرْدَل) **۸۳۱-گزینۀ ۳** کلمه «أَصَحَّ» (بر وزن أَفْعَل) اسم تفضیل و به معنی (صحیح تر، صحیح ترین) می باشد. بررسی سایر گزینه ها:

گزینۀ (۱): أَنْفُس (جمع نَفْس) و جامد - آخر (بر وزن فاعِل): اسم فاعل / گزینۀ (۲): خَضْرَاء (سبز)، لَطِيفَة و طَيِّبَة: صفت مُشَبَّهَة اند. / گزینۀ (۴): عَجَائِب (مفرد آن = عَجِيبَة): صفت مُشَبَّهَة - مخلوقات (مفرد آن = مخلوق): اسم مفعول

۸۳۲-گزینۀ ۱ مفرد «عقلاء»، (عاقِل) و مشتق (اسم فاعل) است. یادتان باشد که مصدرها مانند (تعلیم، اکتشاف، تَسَرُّع و ... یا قَتْل، جَهْل، جُلُوس و ...) همگی جامدند.

۸۳۳-گزینۀ ۲ در گزینۀ (۲)، دو اسم تفضیل داریم: أُخْرَى (بر وزن فُعْلَى) و مؤنث آخر (بر وزن أَفْعَل) که اسم تفضیل هستند. اما در سایر گزینه ها: گزینۀ (۱): فقط کلمه (خیر) اسم تفضیل است. / گزینۀ (۳): اسم تفضیل نداریم. / گزینۀ (۴): فقط کلمه (آخر) اسم تفضیل است. (مفرد «أَسْمَاء»، (اسم) و جامد است.)

۸۳۴-گزینۀ ۳ در سؤال آمده است که: «در کدام گزینۀ (أَفْعَل) برای تفضیل و برتری آمده است» یعنی کدام (أَفْعَل) اسم تفضیل است. گزینۀ (۱): أَعُوذ (پناه می برم) فعل است، نه اسم تفضیل. / گزینۀ (۲): (أَهْدِي = هدیه داد). از معنی جمله می فهمیم که حالت مقایسه ای ندارد، بلکه فعل ماضی بر وزن (أَفْعَل - يُفْعَل - إِفْعَال) است. / گزینۀ (۴): (أَكْمَل) مانند (أَهْدِي) در گزینۀ (۲) فعل ماضی و به معنی (کامل کرد) می باشد. اما وزن (أَفْعَل) در گزینۀ (۳) یعنی کلمه (أَعْلَم) حالت مقایسه ای و بر صفت برترین دلالت دارد. / معنی گزینۀ (۳): عالم ترین مردمان کسی است که علم مردم را به علم خود بیفزاید.

۸۳۵-گزینۀ ۳ (شَر) در گزینۀ (۳) «جامد» و به معنی (بدی) است. اما در سایر گزینه ها، اسم تفضیل است. (بعد از آن «مِنْ» یا «مضاف الیه» آمده است.)

۸۳۶-گزینۀ ۳ در گزینۀ (۳)، کلمه مَتَجَر «محل فروش، فروشگاه» بر وزن مَفْعَل و اسم مکان است. در بقیه گزینه ها اسم مکان نداریم. دقت کنید که (مطر) و (مَهْد) بر وزن (مَفْعَل) نیستند.

۸۳۷-گزینۀ ۴ (سَدّ) اسم مکان نیست و بر وزن (مَفْعَل یا مَفْعُول یا مَفْعَلَة) نیامده است. همچنین با (مُ) شروع نشده است. «مَعَادِن» بر وزن (مَفَاعِل)، مفرد آن «مَعْدِن» (بر وزن مَفْعَل) و اسم مکان است.

۸۳۸-گزینه ۱ در گزینه (۱) چون بعد از اسم تفضیل حرف جر (مِنْ) آمده، به صورت «تر» معنی می‌شود یعنی مقایسه بین دو چیز به کار رفته است. اسم تفضیل در بقیه گزینه‌ها به صورت «ترین» ترجمه می‌شود.

۸۳۹-گزینه ۳ «مدار» بر وزن مَقَال (مُفَعَّل) و اسم مکان است. دقت کنید که کلمات «مُسْتَعِرَة» و «مُنْتَشِرَة» با اینکه با (مُ) شروع شده‌اند، چون حرکت حرف ماقبل آخر آن‌ها کسره است، «اسم فاعل» هستند، نه اسم مکان.

۸۴۰-گزینه ۳ کلمه (جَهْل: نادانی) مصدر و جامد است.
۸۴۱-گزینه ۳ دقت کنید در این سؤال اسم فاعلی که از ثلاثی مجرد ساخته شده باشد، یعنی بر وزن (فاعل) باشد و با (مُ) شروع نشده باشد، مدنظر است. بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): مُخْلِصِین (مُخْلِص: اسم فاعل از غیر ثلاثی مجرد / گزینه (۲): مُعَلِّمُون (مُعَلِّم: اسم فاعل از غیر ثلاثی مجرد / گزینه (۴): مُشْرِفَة (مُشْرِف: اسم فاعل از غیر ثلاثی مجرد / اما در گزینه (۳)، کلمه «طَلَّاب» (مفرد آن = طالب) اسم فاعل از ثلاثی مجرد به شمار می‌رود.

۸۴۲-گزینه ۳ درستی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «سورة البقرة أكبر سورة» (در مقایسه بین دو «اسم» مؤنث معمولاً از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم، نه «فعلی»). / گزینه (۲): «أسبیا أكبر من أوروبا» (در مقایسه بین دو نفر یا دو چیز از حرف جر (مِنْ) بعد از اسم تفضیل استفاده می‌کنیم. / گزینه (۴): «تفكر ساعة خيرٌ من ...» («خير» مؤنث و مذکر آن به یک شکل به کار می‌رود و به عبارت ساده‌تر هرگز «ة» نمی‌گیرد).
۸۴۳-گزینه ۴ اسم‌های مکان (مشتق) سایر گزینه‌ها به ترتیب (مکتبه، مُسْتَقَرّ و مُدْخَل) هستند.

۸۴۴-گزینه ۲ (أَحَلَّ) «شیرین‌ترین» و (بر وزن أَفَعَلَ) و اسم تفضیل است. دقت کنید «أَسْوَد» (سیاه) و «أَضْفَر» (زرد) چون بر رنگ دلالت دارند، اسم تفضیل به شمار نمی‌روند و همیشه «صفت مُشَبَّه» هستند.

۸۴۵-گزینه ۳ (أَعَزَّ) (بر وزن أَفَعَلَ) و اسم تفضیل است.
در گزینه (۱) کلمه «أَفْضَلُ» فعل مضارع از وزن (فَعَلَ - يُفَعِّلُ) و به معنی (ترجیح می‌دهم) است. / در گزینه (۲) کلمه «أَخِيرًا» بر وزن (فَعِلَ) را با «آخر» (بر وزن أَفَعَلَ) اشتباه نگیرید. / در گزینه (۴) کلمه «أَشْدَاء» جمع مکسر «شدید» بر وزن (فَعِلَ) است، نه «أَشَدَّ».

۸۴۶-گزینه ۴ اگر مستقیماً بعد از اسم‌های تفضیل، حرف (مِنْ: از) بیاید، حتماً معنی (تر) می‌دهند نه (ترین). در نتیجه کلمه (أَفْضَل) در گزینه (۴) با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد.

۸۴۷-گزینه ۴ در عبارت مورد نظر جمع مکسر وجود ندارد اما اسم مبالغه (رَزَّاق)، اسم تفضیل (ذُنْبًا فَعْلً) و جمع مذکر سالم (العالمین) وجود دارند.
۸۴۸-گزینه ۱ (خیر) در گزینه (۱) حالت «تفضیلی» دارد، چون بعد از آن، مضاف‌الیه آمده است.

۸۴۹-گزینه ۱ در گزینه (۱) کلمه «أَقَلَّ» بر وزن أَفَعَلَ (أَقَلَّ) و اسم تفضیل است و کلمه «مَقَاصِد» (مفرد آن = مَقْصِد) «اسم مکان» است. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل و اسم مکان با هم نیامده‌اند.

۸۵۰-گزینه ۲ در گزینه (۲)، نه اسم مکان داریم نه اسم تفضیل اما در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): أَهَمُّ (أَقَلَّ = أَفَعَلَ) ← اسم تفضیل: مهم‌ترین / گزینه (۳): مَوَاضِع (مفرد آن = مَوْضِع: مَفْعِل) ← اسم مکان: اماکن و موقعیت‌ها / گزینه (۴): الْآخِرِین (مفرد آن = آخِر (بر وزن أَفَعَلَ)) ← اسم تفضیل: دیگران

۱- همچنین هستند کلماتی مانند (أَقَلَّ، أَشَدَّ، أَجَلْ گرامی‌تر - گرامی‌ترین و ...)، یعنی در آن‌ها «ادغام» صورت گرفته و آخر آن‌ها با تشدید آمده است.

۸۵۱-گزینه ۴ در عبارت مورد نظر، «اسم مکان» به کار نرفته است. اما: اسم فاعل: شُعْرَاء (مفرد آن = شاعر)

اسم تفضیل: آخرین (مفرد آن (آخر) و بر وزن (أَفَعَلَ))

اسم مفعول: مُلَمَّع (اسم مفعول از غیر ثلاثی مجرد)

۸۵۲-گزینه ۴ (أَعْلَم) در گزینه (۴) بر اسم تفضیل دلالت دارد، اما در گزینه‌های (۱) و (۲) فعل ماضی بر وزن (أَفَعَلَ) یا (أَفَعَلْتَ) داریم و در گزینه (۳)، کلمه (خیر) حالت تفضیلی ندارد چون با (ال) آمده و معنی «خوبی» و مصدر است نه اسم تفضیل.

۸۵۳-گزینه ۲ در گزینه (۲) فقط یک اسم تفضیل داریم (أَفْضَل) اما در بقیه گزینه‌ها دو اسم تفضیل داریم:

گزینه (۱): خیر «بهترین» - أَوْسَط «میانه‌ترین» / گزینه (۳): شَر «بدترین» - آخر (بر وزن أَفَعَلَ) «دیگران» / گزینه (۴): أَحَبَّ «دوست‌داشتنی‌ترین» - أَنْفَع «سودمندترین»

۸۵۴-گزینه ۴ (الْمُتَّحِدَة) اسم فاعل است نه اسم مفعول. دقت کنید کلمه (مَقَرَّ) مانند مَحَلّ و مَقَرّ «محل فرار، راه گریز» بر وزن (مَقَلَّ = مَفَعَلَ) می‌باشد و اسم مکان و دو حرف آخر آن در هم ادغام شده است.

۸۵۵-گزینه ۴ موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): معلوم و فاعله ... / گزینه (۲): ماضٍ، للغائب من باب تَفَعَّلَ، معلوم فاعله ... / گزینه (۳): للمخاطب، جملة وصفية

۸۵۶-گزینه ۴ معنی عبارت: «اخلاق نیکو از مهم‌ترین عوامل ارتباط بین مردم است». دقت کنید «تواصل» به معنی «ارتباط برقرار کردن» است. گزینه‌های دیگر به ترتیب به معنی (آلوده شدن به گناه، غیبت کردن و بدگمانی) است.

۸۵۷-گزینه ۴ «التَّائِبُ بِالْأَلْقَاب»: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن.

۸۵۸-گزینه ۲ معنی عبارت: «بهترین برادران (دوستان) شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند». معنی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): رسوا کرد / گزینه (۳): عیب و ایراد گرفت / گزینه (۴): مسخره کرد
۸۵۹-گزینه ۴ معنی عبارت: «چاپخانه» جایی است که کتاب‌ها در آن (جا) چاپ می‌شود.

۸۶۰-گزینه ۱ در گزینه (۱) به جای (الاستهزاء) باید (التَّهْمَة) بیاید. مفهوم گزینه‌ها:

گزینه (۱): متهم کردن شخصی بدون دلیل منطقی: تهمت / گزینه (۲): تلاشی زشت در جهت برملا ساختن رازهای مردم: جاسوسی کردن / گزینه (۳): خود را بهتر از دیگران بدانیم: غرور و تکبر / گزینه (۴): عیب‌های مردم را نزد دیگران بیان کنی: غیبت کردن

۸۶۱-گزینه ۲ اگر دقت کنید در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) مستقیماً بعد از کلمه (خیر)، حرف جر (مِنْ) آمده است، بنابراین به صورت «بهتر» معنی می‌شود، در حالی که در گزینه (۲) معنی «خوبی» می‌دهد. ترجمه گزینه‌ها:

گزینه (۱): چه بسا دوستم از من بهتر باشد. / گزینه (۲): چه بسا خداوند در این کار خیری قرار داده باشد. / گزینه (۳): این کار خیلی بهتر از آن (کار) می‌باشد. / گزینه (۴): یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

۸۶۲-گزینه ۲ جمع‌های مکسر در سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): الْأَسْعَار (قیمت‌ها) ← السَّعَرُ / گزینه (۳): الذُّنُوب (گناهان) ← الذَّنْبُ / گزینه (۴): الْمَكَارِم (خوبی‌ها - فضیلت‌ها) ← الْمَكْرَمَةُ - الْأَخْلَاق ← الْخُلُقُ

دقت کنید در گزینه (۲)، «أَخَوَان»، مُثْنی و به معنی (۲ برادر) است و نباید با کلمه «الإخوان» که جمع مکسر و به معنی (برادران) است، اشتباه شود. در همین گزینه، کلمه «الآخرین» جمع مذکر سالم است و نباید آن را با جمع مکسر اشتباه گرفت.

۲- مترادف «السَّعَر»، (الْقَمَن) می‌باشد.

۸۶۳-گزینۀ ۱ مفهوم عبارت داده‌شده: «آدم بداخلاق خود را در رنج و مشقت می‌اندازد، برخلاف آدم خوش اخلاق که با خوش اخلاقی برای خود راحتی و خوشبختی می‌آورد.» که این مفهوم در گزینۀ (۱) نمایان است. مفهوم گزینه‌های دیگر:

گزینۀ (۲): بدترین مردم کسی است که دو رو باشد. / گزینۀ (۳): هیچ قومی، قوم دیگری را مسخره نکند، چه بسا آن قوم از آن‌ها بهتر باشد. / گزینۀ (۴): دوست واقعی کسی است که ما را به خیر و خوبی رهنمون کند. **۸۶۴-گزینۀ ۴** گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) بر «خوش اخلاقی» دلالت دارند و هم مفهوم با یکدیگر می‌باشند. اما گزینۀ (۴) به کمی‌ها و کاستی‌های افراد اشاره دارد. بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): (در روز قیامت) کفۀ ترازوی اعمال نیک افراد خوش اخلاق سنگین‌تر است. / گزینۀ (۲): کامل‌ترین مردمان از نظر ایمان، خوش اخلاق‌ترین آن‌هاست. / گزینۀ (۳): خوش اخلاقی نصف دین‌داری است. / گزینۀ (۴): اگر آدم ناقص، عیب و ایراد خود را بداند (و در پی برطرف کردن آن باشد)، کامل می‌شود.

۸۶۵-گزینۀ ۴ مفهوم این آیه شریفه: «خداوند هر کس را فقط به اندازه توان و قدرتش مکلف می‌کند و کاری که خارج از توان ماست، به ما تحمیل نمی‌کند.» که این مفهوم با گزینۀ (۴) هم خوانی دارد. مفهوم گزینه‌ها: گزینۀ (۱): هر انسانی مسئول کار خود می‌باشد. / گزینۀ (۲): بهترین کارها، میانه‌روی است. (دوری از افراط و تفریط) / گزینۀ (۳): یادآوری روز قیامت و اینکه در آن روز هر کس فقط پاسخگوی اعمال خود می‌باشد. / گزینۀ (۴): خداوند مسئولیت کارهایی را که خارج از توان ماست به ما تحمیل نمی‌کند. **۸۶۶-گزینۀ ۲** معنی گزینۀ (۲): عبادتی که پنهانی باشد (و از روی ریا و برای خودنمایی نباشد)، اجر و پاداشش بیشتر است.

گزینۀ (۳) به خاطر کلمۀ فقط آخر عبارت، نمی‌تواند درست باشد.

۸۶۷-گزینۀ ۳ «اوسط» اسم تفضیل از «وسط: میانه» است و مفهوم آن، عبارت است از: (بهترین کارها میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است). **۸۶۸-گزینۀ ۲** مفهوم عبارت داده شده: «بزرگ‌ترین عیب آن است که، عیبی را که خودمان داریم، از دیگران بگیریم.» یا به عبارت دیگر، «در حالی که خود را اصلاح نکرده‌ایم، در فکر اصلاح دیگران باشیم.» معنی گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): غفلت از عیوب مردم. (این مفهوم با عبارت داده شده در تضاد کامل است). / گزینۀ (۲): فراموش کردن عیوب خود و دیدن همان عیوب در دیگران. / گزینۀ (۳): دیگران را مسخره کردن. / گزینۀ (۴): دیگران را نصیحت کنیم که عیوب خود را ترک کنند.

۸۶۹-گزینۀ ۲ با توجه به «عیوب» که جمع است و همراه با ضمیر متصل آمده، گزینه‌های (۳) و (۴) حذف می‌شوند و در گزینۀ (۱) کلمۀ (از) بعد از (بهتر) اضافه می‌باشد، چون در عبارت اصلی، حرف جر (مِنْ) بعد از اسم تفضیل به کار نرفته است.

۸۷۰-گزینۀ ۴ «لَمْ يَزَلْ - يَلْمِزُ» به معنی (عیب و ایراد گرفتن) می‌باشد و فعل مورد نظر به صورت «نهی» آمده است، بنابراین باید بگوییم: «عیب و ایراد نگیرید.»

۸۷۱-گزینۀ ۲ در گزینۀ (۲)، کلمه (سِعَر) با ضمیر (ها) آمده، در حالی که در ترجمه لحاظ نشده است.

۸۷۲-گزینۀ ۱ معنی درست گزینۀ (۱): به گونه‌ای زیباتر و نیکوتر با آن‌ها مجادله و بحث کن.

در گزینۀ (۲) اصطلاح (بعضکم بعضاً) به صورت (یکدیگر) ترجمه می‌شود. **۸۷۳-گزینۀ ۱** (قد + فعل مضارع) به صورت (شاید، گاهی و ...) معنی می‌شود و «شک و تردید» را می‌رساند. دقت کنید (قد + فعل ماضی) حالت «تأکید» دارد و اغلب در فارسی به صورت «ماضی نقلی» معنی می‌شود. به مثال زیر توجه کنید:

«قد + أَفْلَحَ = قد أَفْلَحَ المؤمنون» (به تحقیق مؤمنان رستگار شدند)

۸۷۴-گزینۀ ۴ معنی درست گزینۀ (۴): «و کتاب‌های عربی آن بیشتر از کتاب‌های دیگر است.» هدف از این تست، دقت کردن به ترجمۀ «اسم‌های تفضیل» است. به عنوان مثال «اکبر» در گزینۀ (۱) به صورت (بزرگ‌ترین) و در گزینۀ (۲) چون بعد از آن حرف جر (مِنْ) آمده، به صورت (بزرگ‌تر از) معنی شده است.

۸۷۵-گزینۀ ۳ موارد نادرست سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): أَفَاضِل - کثیراً - يَنْفَعُ / گزینۀ (۲): أَفْضَلُ / گزینۀ (۴): أَنْفَعُ مِنْ (سودمندتر از)

۸۷۶-گزینۀ ۲ (بیازمای) فعل امر و (خودت) ضمیر مخاطب است، در گزینه‌های (۱) و (۳) ضمیر مخاطب نداریم و گزینۀ (۴) به دلیل ضمیر متصل «ه» نمی‌تواند درست باشد.

۸۷۷-گزینۀ ۳ موارد نادرست در سایر گزینه‌ها: گزینۀ (۱): أَعْلَمُهُم، لِلنَّاسِ، يَجْمَعُونَ / گزینۀ (۲): فعل «جَمَعَ» (به صورت ماضی آمده، در حالی که باید مضارع باشد)، «علوم» (به صورت جمع آمده) / گزینۀ (۴): کلمات «دانش مردم» و «به دانش خود» که در سؤال مورد نظر آمده‌اند، در گزینۀ (۴) دیده نمی‌شوند.

۸۷۸-گزینۀ ۲ أَلْخَلَصَ النَّاسَ: خالص‌ترین مردم / تجرّی (فعل مضارع): جاری می‌شود / لسانه: زبانش

۸۷۹-گزینۀ ۳ لی: دارم / مَا كَانَ لِي ...: نداشتم **۸۸۰-گزینۀ ۲** فِي هَذِهِ الظَّاهِرَةِ: در این پدیده / أَبْعَدُ مِنْ هُنَاكَ: دورتر از آنجاست

۸۸۱-گزینۀ ۲ با توجه به «مِنْ = از» در اوّل عبارت، گزینه‌های (۱) و (۴) حذف می‌شوند، بنابراین از بین گزینه‌های (۲) و (۳)، یکی را انتخاب می‌کنیم. گزینۀ (۳) به خاطر (اعمال نیک) و فعل (نادیده بگیرند)، نمی‌تواند درست باشد. دقت کنید کلمۀ «تَظَاهَرُ»، «مصدر» است و نباید به صورت «ماضی» ترجمه شود.

۸۸۲-گزینۀ ۲ گزینه‌های (۱) و (۳) به خاطر ضمیر (ک) در «فضائلک» و «معاصیک» و ... نمی‌توانند درست باشند و گزینۀ (۴) به خاطر (هذا اليوم) و (الاشتبهات الأصغر) و (فضائل أكبر) نمی‌تواند درست باشد.

۸۸۳-گزینۀ ۴ با توجه به اینکه در عبارت داده شده، «فعل مضارعی» به کار نرفته است، گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست هستند و گزینۀ (۱) نیز به خاطر (لَا) قبل از «قلب» و «موسیقی» و کلمۀ «العالمیّة» نمی‌تواند درست باشد.

۸۸۴-گزینۀ ۳ ترجمۀ صحیح گزینۀ (۳): «این دو کشور، بزرگ‌ترین کشورهای هستند که آن‌ها را دیدم.»

۸۸۵-گزینۀ ۴ با توجه به فعل‌های مضارع (لَا يَتَغَلَّبُ، تَفْقَدُ، يَجِبُ و ...) فقط گزینۀ (۴) صحیح است.